



سال دهمختک (قحطی سال 1296 ش.)

پدیدآورده (ها) : کوهستانی نژاد، مسعود
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1381 - شماره 45 و 46
از 40 تا 85

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92368>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



سال

دمپختک

قحطی سال

۱۲۹۶ ش

کتر کتابی را می‌توان یافت که پیرامون وقایع عصر مشروطیت در ایران نگارش یافته و در آن، اشاره‌ای به قحطی عظیم سال ۱۲۹۶ ش. نشده باشد. کمبود مواد غذایی، پدیده‌ای است که به طور موضعی در طول سالهای مشروطیت (۱۳۰۶، ۱۲۸۴) کم و بیش در گوشه و کنار کشور روی می‌داده و سالی نبوده که در آن، بلوای نان در یکی از مناطق ایران روی نهد.

بحرانهای گسترده اقتصادی و سیاسی در کشور، سبب نابودی منابع اقتصادی و بویژه وارد آوردن لطمه شدیدی به بخش کشاورزی شد. آسیب دیدن منابع کشاورزی، فقدان ارزاق عمومی را به دنبال داشت و این موضوع، در قحطیها و بلوهای نان، که در گوشه و کنار ایران به وجود می‌آمد، تجلی می‌یافت. قحطیهایی که مهمترین آنها، در سال ۱۲۹۶ ش. روی داده و به مناسبت اقدام دولت در آن بحبوحه، در برپاساختن محلههایی برای توزیع دمپختک (نوعی غذای برنجی که با حبوبات مخلوط می‌شود) در بین فقوای تهران، به سال دمپختک هم مشهور شد.

نقطه اوج بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران را طی دو قرن گذشته، می‌باید در سالهای ۱۲۹۸، ۱۲۹۳ جستجو کرد. نفوذ عمیق و گسترده دولتهای روسیه و انگلیس، تحکیم قراردادهای ۱۹۱۵ و ۱۹۰۷، در خصوص تقسیم ایران به مناطق تحت نفوذ روسیه و انگلیس، وجود بحران عمیق سیاسی، فقر عمومی، ورشکستگی اقتصادی و بحرانهای اجتماعی در کشور، دست به دست هم داده و ایران را به ضعیف‌ترین درجه از اقتدار طی فزون اخیر رسانده بود. در این میان، وقوع جنگ جهانی اول و کشیده شدن دامنه آن جنگ به فلسطین و ایران و ورود نیروهای نظامی انگلیس، روس و عثمانی به کشور، مصیبتی دیگر و مشکلی افزون بر مشکلات دیگر شد.

در بحبوحه بحرانهای مذکور، در اوایل سال ۱۲۹۶ ش. (۱۳۲۵ ق. ۱۹۱۷ م.، شواهدی از وقوع خشکسالی، در پارهای از مناطق ایران مشاهده شد. عبدالله مستوفی، مشاهدات خود را چنین نگاشته است: «در شش ماهه آخر و فصول پارتی سال ۱۲۹۵، به همه جهت ده، دوازده ساعت بیشتر باران نیامده بود. در تمام مدت فصل بهار هم، تابست و هشتم ماه دوم بهار (تور لاردیبهشت ۱۲۹۶) نیم از آسمان پائین نیامده و در این وقت شش، هفت ساعت باران بر دشت قطره درشتی آمد؛ ولی برای زراعت بلوکات گرمسیر تهران، نوشداروی پس از مرگ سهراب بود. زیرا اکثر زارعین، زراعتهای خشک شده خود را، چراغ کرده بودند. این باران، فقط به درد بلوکات نسبتاً سردسیر تهران مثل ساوجبلاغ و شهریار، که اکثر آذوقات مشروب می‌شدند، افاقه جزئی داشت. حال تمام ایران، به همین منوال بود. رودخانه‌ها، خشک و قناتها هم، کم آب شده بود. در ورامین، آفت سن خوارگی هم، مزید بر علت شده، آنچه از قحطی و خشکی نجات یافته بود، گرفتار آفت شد. (۱)»

با شروع تابستان، وقوع قحطی به شکل جدی تری مطرح شد. در اواخر تیرماه ۱۲۹۶ در رشت، قلت آب و بارندگی، باعث وحشت عموم شده و بدین سبب، جمعی از علمای اعلام و مقدسین، برای نماز باران، به مصلاهی خارج شهر رفتند. (۲)

در همان روزها در تبریز، وضعیت به وخامت گرائید. تمام شدن انبار ذخیره شهر، حکمران (شریف اللئو له) را، وادار به انجام اقداماتی نمود (گزارشهای شماره ۱ و ۲). در قزوین، سخت شدن کار ارزاق همراه با برخی فعالیت‌های سیاسی پیرامون انتخابات مجلس شورای ملی (۳)، سبب برخی فعالیت‌ها شد (گزارش شماره ۳). تصویر کاملی از وضعیت ارزاق ایران در اواسط تابستان سال ۱۲۹۶، در خلال مقاله «باز هم آذوقه تهران و ولایات» (مقاله شماره ۱) آمده است. آنچه در این مقاله اهمیت دارد، متوجه ساختن اتهام اصلی به جانب مقامات ذی نفع دولتی و خصوصاً حکام شهرستانهاست. هم‌مقیاس خوراک یکساله تهران، فریب یکصد هزار خروار گندم تخمین زده شده است؛ در حالی که نصف آن مقدار را به علاوه سی هزار خروار جو، که هر وقت احساس عسرت شود، می‌توان عوضی گندم استعمال کرد. خود دولت مالک می‌باشد. واقعاً اسباب حیرت است که به واسطه عدم لیاقت و رشد مأموران دولتی، پیوسته تعیین نرخ غله، در دست جمعی انباردار و محترک قرار گرفته و اهالی بدبخت تهران، گرفتار این قبیل عسرت و گرانی شبیه به قحطی باشند. همین وضعیت نامساعد در سایر ولایات ایران نیز، به اشکال مختلف جریان دارد و غالباً قضیه گندم و عایدات جنسی دولت، یکی از عایدات هنگفت نامشروع پیشکاران مالیه و حکام گردیده است. (مقاله شماره ۱)

به رغم چنین وضعیتی، در هفته‌های بعد، تغییر مثبتی در اوضاع به وجود نیامد. در تهران، به رغم وجود محصول مناسب در برخی نواحی اطراف نظیر غار و شاه عبدالعظیم (سند شماره ۱)، در پاره‌ای نقاط، گزارشهای موجود از وضعیت بارندگی، حکایت از وخامت اوضاع می‌کرد (سند شماره ۲ و ۳). در چنین وضعیتی، طبیعی است که عرضه محصولات غذایی کاهش یافته و اوضاع متشنجی در شهر به وجود آید. در گزارشی از وضعیت نان تهران در اواسط مردادماه، آمده است: «چند روز بود که منظره دکانین خیابانی، از حیث کثرت جمعیت و سوء رفتار کارگران نسبت به ارباب رجوع، فوق‌العاده رفت خیز گردیده، حضرات خیابان هم، موقع رابرای جلب انتفاع و سوء استفاده مناسب دیده و بالاخره مقامات مربوطه، صلاح دیدند که مبلغی بر قیمت نان افزوده و نان را از قرار دو قران و دو عباسی، تا وصول جنس دولتی به فروش برسانند. (۴) ولی این اقدام و اقدامات مشابه دیگر نیز، که شرح آنها در گزارشهای شماره ۴ و ۵ ارائه شده، نتوانست راهگشای حل مشکل باشد. بدین ترتیب، هرچه زمان به جلو می‌رفت، بر قیمت ارزاق در تهران و نیز دیگر شهرستانها اضافه می‌شد.

برای بررسی مقایسه رشد قیمت ارزاق، نرخ مهم‌ترین اقلام غذایی مردم تهران در هفته اول جدی ۱۲۹۵ پایه، قرار گرفته است (گزارش شماره ۶۹). در آن زمان، به عنوان نمونه، گندم، خرواری حداقل ۱۷۰ و حداکثر ۲۵۰ ریال و برنج سفید کرده، خرواری ۴۰۰ ریال به فروش می‌رفت. یک ماه بعد، در هفته اول دلو بهمن ۱۲۹۵، قیمت‌های فوق‌اندکی کاهش یافت (گزارش شماره ۱۷)

حدود ده ماه بعد، یعنی در زمان اوجگیری بحران کمبود ارزاق در تهران، نرخ گندم، در ۲۳ عقرب / آبان ۱۲۹۶ در تهران، خرواری حداقل ۵۲۰ و حداکثر ۵۸۰ ریال به فروش می‌رفت (گزارش شماره ۸). در همان روز، نرخ فروش

برنج سفید، خرواری ۸۰۰ ریال در تهران بود. گزارش نرخ ارزاق در ۳۰ عقرب / آبان و هفتم قوس، ۱۲۹۶ (به ترتیب، گزارشهای شماره ۹ و ۱۰)، حاکی از ثابت بودن قیمت‌هاست. ولی هر روز پنجشنبه ششم جدی (گزارش شماره ۱۱)، حاکی از افزایش ۲۰٪ قیمت‌هاست. دو هفته بعد، قیمت گندم در هر خروار، به حداقل ۷۰۰ و حداکثر ۷۵۰ ریال رسید و برنج سفید کرده، اساساً فاقد قیمت بود (گزارش شماره ۱۳). بالاخره یک ماه بعد، قیمت گندم به خرواری حداقل ۸۵۰ و حداکثر ۹۳۰ ریال افزایش یافت و برنج سفید نیز، خرواری یکصد ریال به فروش می‌رفت (گزارش شماره ۱۴). به عیارنی دیگر، در فاصله یک سال، قیمت گندم ۴۰۰٪ و قیمت برنج ۲۲۳٪ افزایش یافت. این دو رقم کالا، به عنوان شاخص قیمت اقلام غذایی برگزیده شدند. قیمت دیگر اقلام نیز، در گزارشهای فوق‌الذکر وجود داشته و زودتر رشد قیمت آنها نیز، تقریباً به همان ترتیب و به نسبت گندم و برنج می‌باشد.

افزایش قیمت کالا، به معنای کمیابی و قحطی بود. پیامد قحطی نیز، در نتیجه نخست، اعتراض مردم را به همراه داشت. نمونه‌ای از این اعتراضات، در ذیل گزارش شماره ۱۱ ارائه شده است. (۵) پیامد اصلی قحطی، در افزایش مرگ و میر و تلفات فراوانی می‌یافت. آمار غله فقرا و تعداد متوفیات تهران در ماه عقرب / آبان ۱۲۹۶ (گزارشهای شماره ۱۶ و ۱۷)، بیانگر تعداد ۳۳۶۰ نفر است. ۸۰۰ نفر که احصائیه از سوی نظمی و توسط کمیساریهای محلات تهران، تهیه شده و تعداد تلفات ۳۸۲ نفر در تهران طی بیست روز اول تابستان عقرب / آبان ۱۲۹۶ است. علل تلفات مزبور، بدقت در گزارش زیربط مشخص شده است. ولی در این گزارش، نشانه‌ای از تعداد کسانی که بر اثر قحطی تلف شده‌اند، وجود ندارد. حدود دو ماه بعد یعنی در اواسط جدی / آدی ۱۲۹۶، به موجب راپورت کمیساری محلات تهران، پنجاه و یک نفر اشخاص فقیر و بی‌بضاعت از گرسنگی و سرما مرحوم شده‌اند. بر اساس گزارش مزبور تعداد فوق، به ترتیب «در محله ازک ۵ نفر، در محله سنگلج ۸ نفر، در محله حسن آباد ۷ نفر، در محله قنات آباد ۵ نفر، در محله محمدیه ۴ نفر، در محله قاجاریه ۱ نفر، در محله بازار ۷ نفر و در محله عودلجان ۱۴ نفر و مجموعاً ۵۱ نفر بود. (۶)

آمار تلفات، بتدریج بالا رفت و در عرض ۱۵ روز از ۲۰ جدی / آدی تا پنجم دلو بهمن، غله اموات تهران، ۵۲۰ نفر بود. (۷) و بالاخره ۱۵ حصانیه اموات تهران در بیست روز (یازدهم حمل ۱۲۹۷ تا تاریخ آخر برج مذکور) مطابق راپورت یومیه غسالخانه، من حیث المجموع ۲۷۶۱ نفر برآورد شده است. (۸) در مواجهه با چنین وضعیتی، دولت، اقدامات تاه مینی خود را به آرامی و کندی آغاز کرد. برای نخستین بار، در سرطان / تیر ۱۲۹۶ دولت، با امضای قرارداد با تومانیاس، حمل مقدار ناچیزی برنج (یکصد و چهل و هشت خروار) را از مازندران به تهران، سازماندهی کرد (سند شماره ۴). حدود دو ماه بعد، در اواخر سنبله / شهریور، با جدی تر شدن بحران، هیئت دولت، وزارت مالیه را مأمور خرید ده هزار خروار برنج کرد (سند شماره ۵). ولی خرید این مقدار، که عملاً به عهده تجار نخانه تومانیاس و اگذار شد. دچار مشکل شد. مشکلاتی که تومانیاس، به وزارت مالیه گزارش کرد، عمدتاً شامل نبود نقدینگی و کمبود برنج در مازندران بود (سند شماره ۵). تا اینکه بالاخره اقدامات اساسی دولت، با تاه خیری آشکار، از ۲۳ عقرب / آبان ۱۲۹۶ آغاز شد. در آن روز، هر حسب تصمیم هیئت دولت، تقریباً تمامی معاملات بلندبایه، شاهزادگان متنفذ، تجار و ملاکین بزرگ تهران، به تشکیل جلسه‌ای در دربار دعوت شدند. این جلسه، دو روز بعد در شنبه ۲۵ عقرب / آبان تشکیل و پیرامون «کمی غله و ارزاق» مذاکراتی شد. نتیجه عملی جلسه، تعیین کمیون عالی به ریاست

صمصام السلطنه و عضویت سپهسالار اعظم، سعدالدوله، نجم آبادی، سردار بهادر و سیدعبد الرحیم کاشی، جهت حل مشکلات قطعی در تهران شد (گزارش شماره ۱۹). همان روز افراد مزبور، به علاوه عین الدوله سردار جنگ، محبر السلطنه، حاجی امام جمعه خوئی، سید کمال الدین، سید محمد بیبهانی، امام جمعه [سید جلال الدین] تهرانی، حاجی معین بوشهری و اسکندر تو مانیان، «حسب الامر» علیحضرت شهر باری، به دربار دعوت شده و پس از حاضر شدن، آقایان، مشغول مذاکرات و تبادل نظر برای ترتیب جنس و برنج شدند. بالاخره الکساندرخان، قبول نمود که سی هزار خروار برنج، از رشت و مازندران خریداری نموده و خود دولت و سابل حمل آن را فراهم نماید. (۹) پس از پایان جلسه فوق، محبر السلطنه که عملاً مدیریت مجموعه اجرائی تأمین ارزاق تهران را بر عهده داشت، طی مصاحبه‌ای، مهمترین تصمیمات و خط مشی دولت را برای حل بحران، بیان کرد (گزارش شماره ۲۰). اعزام افرادی به نواحی مختلف نظیر عراق، لراک، قزوین، زنجان و قم، جهت تهیه آذوقه، تأیید فعالیت داوطلبانه منصور الملک، نیر السلطان و دهخدا برای نظارت بر وضعیت ارزاق تهران، تهیه آمار از ساکنان تهران و بالاخره، توزیع سرانه ارزاق و نان در تهران، اقدامات اساسی دولت، برای تأمین ارزاق بود. در این میان، خرید و تهیه ارزاق و حمل آن به تهران، اساسی ترین موضوع می نمود. قبلاً بیان شد که تو مانیان، از جانب هیئت دولت، مأموریت تهیه ارزاق را بر عهده گرفت. علاوه بر او، تعداد دیگری از تجار هم مأمور این کار شدند که با عقد قراردادهایی با دولت، تأمین ارزاق تهران را متقبل شدند (اسناد شماره ۱۱-۱۶). با اجرای این قراردادهای، مقادیر معتدلی برنج و گندم وارد تهران شد که آماری از بخشی از آن، در ذیل سند شماره ۱۲ ارائه شده است.

محور بعدی فعالیت دولت، کنترل توزیع مواد غذایی در بین مردم و باری رساندن به بیبویان بود. راهکار دمپخت، از همین جاسر چشمه گرفت. در اواسط قوس آذر ۱۲۹۶، «بر حسب پیشنهاد آقای حاج محبر السلطنه و تصویب هیئت وزیان، مقرر شد، روزی تا مقدار سی خروار برنج، دو شش نطفه شهر، دمپخت تهیه شود و برای هر یک خروار برنج، بیست و پنج من گوشت و بیست و پنج من باقلا مصرف شود و دمپخت، به مدیریت آقامیرزا محمود، مدو شهرکت منتفخ، به مصرف فقرا بپردازد» (گزارش شماره ۲۲). علاوه بر آن، فروش آزاد نان در نانوایها نیز، از جمله طرحهای دولت بود. تعیین قیمت واحد برای نانوایها، نظارت شدیدتر رجال خوشنام بر توزیع دمپخت، اقدامات دیگری بود که برای کمک به رفع قحطی، انجام شد (گزارشهای شماره ۲۲ و ۲۳).

نظارت و کنترل دولت بر توزیع مواد غذایی، تا اوایل ثور ۱۲۹۷، ادامه یافت و تنها در آن زمان بود که فروش دمپخت، بکلی آزاد و تمام نواحی دمپخت فروش ادوکی منحل شده (گزارش شماره ۲۵). البته کماکان کنترل وزارت مالیه بر قیمت، ادامه داشته (۱۰) و حتی حکومت تهران، با صدور اعلانی به عموم اهالی اختصار کرده که هر کس، گندم و جو در تهران سراغ دارد که علاوه بر معاش صاحب گندم باشد و به حکومت اظهار نمایند، بعد از تحویل گرفتن، از محل خرواری پنج من از عین جنس جایزه داده می شود. (۱۱) اعلانی که تنها برای آبرو وجود صادر شده بود و گزارشی از اجرای آن، منتشر نشد. همراه با اقدامات فوق، تشکیل موسسات خیریه و نیز، فعالیتهایی در این زمینه به دست گروههای خیر دولتی و همچنین دولت، راهکاری دیگر برای حل معضل قحطی در تهران به شمار می رفت. در اواسط عقرب آبان، هیئتی از نفع برستان، برای تهیه موجبات آسایش فقرا، مجمعی به نام «مجمع خیریه

تهران» تأسیس کرد (گزارش شماره ۲۶). چند هفته بعد، هیئت متحده خمسه معین تهران، یک باب دار المساکین، در جنب بازارچه حاجی آقا محسن تأسیس نمود و پنجاه نفر از فقرای می دست و پا، در آنجا پذیرفتند (گزارش شماره ۲۷). فعالیتهایی نیز، از سوی افراد خیر انجام شد. گردآوری اعانه از سوی برخی از رجال (گزارش شماره ۳۲) و تشکیل جلساتی از آنها، از جمله این فعالیتهای بود (گزارش شماره ۲۸). به موازات فعالیتهای مردمی، دولت نیز، دست اندرکار اقداماتی مشابه شد. تصویب پرداخت ماهیانه چهار هزار تومان برای مصارف دار المساکین و نظارت بر فعالیت آن، توسط «شاهزاده شهاب الدوله، مشار الملک، مشار السلطان، دبیر الملک، دو نفر از طرف اتحادیه آذربایجان و یک نفر از طرف اصناف» (۱۲) از سوئی و از سوی دیگر، فعال نمودن کمیسیون خیریه دارالحکومه (گزارش شماره ۲۹)، در دستور کار دولت قرار گرفت. گزارشی موجود از فعالیت کمیسیون مذکور در اواخر جنوری، حاکی از اسکان ۱۳۴۳ نفر فقیر در مساجد سراج الملک (۲۸۰ نفر)، شاه آباد (۶۰ نفر)، سپهداری (۸۸ نفر)، آقا محمود (۳۹۵ نفر) و مجدالدوله (۴۲۰ نفر) به صرف شام و نهار مجاني است. (۳)

علاوه بر اقدامات فوق، گزارشی نیز، از برگزاری تأثیر واپس، به نفع فقرا در این ایام در تهران وجود دارد. در اواسط دلو، «بهمین نمایش واپس آرزین مال آلان، در گراند هتل تهران به اجرا درآمد و یک ثلث از عایدات نمایش، در تحت نظارت مجمع آذربایجان، به توسط کمیسیون خیریه مرکزی، برای دار المساکین، تخصیص داده شد» (۱۴). یک ماه بعد، «پرت گچ السن، شیرین السن توسط «آریست ابویان، مدام کنارک، مادموازل لومی و آرتیستهای دیگر، در گراند هتل، بر روی صحنه رفته، عبادی این نمایش، پس از وضع مختار، به فقرای تهران داده شد» (۱۵).

شهرستانها: در شهرستانها نیز، وضعیت اوراق، کم و بیش مشابه با تهران بود. در مقاله‌ای که تحت عنوان «تروم نعمام برای اوراق عمومی»، در اواخر سنبله شهریور ۱۲۹۶، در روزنامه ایران چاپ شد، تصویر نسبتاً جامعی از وضعیت اوراق در شهرستانها، ارائه شد (مقاله شماره ۲). در شهرستانها نیز، همچون تهران، کمیوز اوراق، از اواسط تابستان ۱۲۹۶، به شکل جدی، مطرح شد. و مقابله دولت و حکام با این موضوع، فاقد تأثیر بود. صدور دستور العملهایی از قبیل ممانعت و جلوگیری از حمل برنج به خارج، در نقاط شمالی کشور (۱۶)، نیز، نتوانست چاره‌ای برای جلوگیری از گسترش قحطی باشد. تصویری اجمالی از وضعیت شهرستانها، می توان در خلال گزارشیهای موجود، جستجو کرد.

در یک حالت کلی، از نظر آسیب دیدگی، مناطق مختلف کشور، به سه گروه تقسیم می شود، بخش اول، مناطق غربی و شمال غربی کشور که در معرض شدیدترین آسیب قحطی قرار گرفتند. در ارومیه، همیزان گرانی و قحطی، به درجه‌ای رسید که اهالی، دست از اهالی و عیال می کشیدند و به بیابانها و سایر نقاط مهاجرت می کردند. یک من گندم، از اطراف وارد نمی شد. محاللات، کلیه ویران بود و دهات، تماماً خراب» (گزارش شماره ۳۰). در سراب، گرسه‌ای در حیاط کمیسیون اوراق، مرد و در محبس، عبدالله نام، کارد کشید تا سر خود را از گرسنگی، ببرد» (گزارش شماره ۳۱). در تبریز، «آفاسید سن کرکری، با جمعی به خارج شهر به مصلی رفته، مشغول دعا و مناجات هستند، و نان با کمال عبرت تحصیل می سود» (گزارش شماره ۳۲). در آستارا، بنا به گزارش تنگرفانی ۲۹ عقرب آبان ۱۲۹۶، «متجاوز از یک ماه می باشد که نان در آستارا نیست» (۱۷). در همان زمان، در سمنجان، «همه روزه چندین نفر، از گرسنگی می میرند. اگر این قسم باشد تا یکی، دو ماه دیگر، تمام مردم از گرسنگی تلف

در کرد (اسان کرمانشاهان)، اوضاع اهالی، بی‌اندازه سخت و کار، به جایی رسیده که روزی یکی دو نفر، به واسطه نزاع ایرسراخون گوسفند، مجروح می‌شوند. ابتدا گندم، جو و گوشت، یافت نمی‌شود. یک عده، به کوه‌ها رفتند و یا بلوط‌گردان می‌کنند. (۱۸)

در همدان، در اواخر خرداد، آبان، نان که یاب و از شصت، هفتاد دکان خنّازی، نصف بسته شده بود. (۱۹) و کمتر از دو هفته بعد، اوضاع این شهر، کسب و خامت کرده، گندم را خرواری صد تومان و جو را نود تومان می‌فروختند. حکومت، با خنّالی حرارت می‌خواهد جلوگیری نماید که نرخ از پنجاه تومان بالاتر نرود. جلوگیری، محال به نظر می‌رسد. (گزارش شماره ۳۴) و بعدها میزان نرخ گندم در همدان، حتی به خرواری ۲۴۰ تومان هم رسید. (۲۰) همزمان با آن، در قزوین، نرخ گندم خرواری ۲۰۰ تومان و برنج، خرواری ۱۸۰ تومان بود. (۲۱)

بخش مرکزی ایران نیز، آسیب جدی از قحطی دید. ولی این آسیب، در حد و اندازه مناطق غربی نبود. در قم، بنا به گزارشی که در اواسط بهار ۱۲۹۶، از وضع زراعت آن شهر تهیه شد (سند شماره ۱۲)، بخش اعظم مواد غذایی قم، از طریق فراهان تامین می‌شد. بدین لحاظ، کمیو دارزاق در کشور، بسرعت اوضاع تم راحت‌تر قرار داد. به نحوی که در اواسط عقرب آبان آن سال، به دلیل انبعاث حمل گندم از عراق و آستان‌لو فراهان، روزانه چند نفر از فقراء از گرسنگی می‌مردند. (۲۲) ادامه این وضعیت، کار را به جایی رساند که در اوایل دلو بهمن، در ظرف چهار روز، قریب به پنجاه نفر، از گرسنگی مردند و اغلب فقرا، شهر، یا خون گوسفندها زندگی می‌کردند. (گزارش شماره ۳۵).

در کمره، بنا به گزارش در اوایل قوس، آذر، نرخ اجناس، رو به ترقی رفته، گندم خرواری ۵۵ تومان، جو ۴۲ تومان، باران هیچ نیامده و اهالی، هوف انباده در وحشت می‌باشند. (۲۳) در همان زمان در کاشان، مردم، برای به دست آوردن نان، بلوا و شورش کردند (گزارش شماره ۳۶). و در نهایت، در منطقه شمالی کشور، وضعیت اوراق، خوب و بحران قحطی، در آنجا به وجود نیامد. وضعیت کشت و برداشت محصول، مناسب بود و علاوه بر تامین نیاز مردم بومی (گزارش شماره ۳۷)، مقادیر زیادی برنج، به نقاط دیگر کشور (خصوصاً بهران) نیز، صادر می‌شد. (۲۴)

در شهرستانها نیز، برای مقابله با قحطی و کمبود ارزاق، تمهیدات مختلفی پیش‌بینی می‌شد. در این میان، اولویت با تامین مواد غذایی و سپس توزیع مناسب آن در میان مردم بود. در این راستا، تشکیل انجمنها و گروههای خیریه و اقدامات مشابه آن، نمود بیشتری می‌یافت.

در اراک، که بنا به گزارش در اواسط پائیز ۱۲۹۶، اوضاع نان، خیلی سخت شده بود، امیر جنگ و امیر معتمد (حکمران و نایب او)، مجلسی تشکیل دادند و قرار شد هفت هزار خروار گندم، برای نان شهر، ملاکین، در (خرواری) ۴۲۱ تومان تهیه نموده و شبازان نیز، نان را یک من سه هزار و ده شاهی، به فروش برسانند. (۲۵) اجراء نشدن ترتیب فوق، کار را به جایی رساند که حکمران، در صدد جمع‌آوری اعانه از ملاکین و اعیان و اشراف و اخذ مالیات اجباری از آنها و نیز، اجزای ادارات، برآمد. همچنین، کمیسیون مرکب از هفت نفر، معین شده که ترتیب راحتی فقرا را بخوبی بدانند. این کمیسیون، موسوم به «هفت عالی» است و حزب محترم دموکرات، در مدرسه خیریه به ریاست رشیدالسلطان، مجلس تجزیه داری برپا نموده‌اند. امیر جنگ و امیر معتمد و علماء در مجلس حاضر شده بودند. (۲۶)

در سمنان، گزارشی از فعالیت شرکت خیریه‌ای، که «خیابان خانه سمنان را در عهده داشته» برای حل مشکل نان در دست است (گزارش شماره ۳۸). در رشت، که به دلیل وفور ارزاق، هدف هجوم گرسنگان مناطق اطراف گیلان قرار گرفته بود، جمعی از خیر خواهان و نوع پرستان، کمیسیون به اسم هیئت جمع‌آوری اعانه فقراتشکیل دادند و چندین کاروانسرا و مساجد و نیکه‌ها و دکاکین راه برای اقامت فقرا تهیه نمودند و تمام آنها را اجا دادند و وسایل معیشت و حفظشان را از گرسنگی و سرما، فراهم داشته‌اند. علاوه بر آن، برگزاری تأثیر به نفع فرائیز، یکی دیگر از اقدامات کمیون مزبور، بود (گزارش شماره ۳۹).

اصفهان: وضعیت ارزاق را در اصفهان، می‌توان بوضوح در خلال نامه علمای اصفهان به کمیسیون ارزاق و جراید تهران، مورد بررسی قرار داد (گزارش شماره ۴۰). مسئله، به واسطه کم‌آبی و خشکسالی، دولت حاصل مزدومی اصفهان، عمل نیامده و عموم، به عسرت و مضیقه دچار و فعلاً روزی بیست و پنج، شش نفر از گرسنگی تلف می‌شوند. برای جلوگیری از ادامه بحران، «کمیسیون ارزاق، که مرکب از نمایندگان احزاب و هیئت علماء و تجار و اشراف و ملاکین باشد، تشکیل داده» و این کمیسیون، از هیئت دولت تقاضای اجازه حمل غله از عراق (اراک) و کمره و گلپایگان به اصفهان و نیز، پرداخت مساعده مالی از سوی هیئت دولت نمود. ولی پیشنهادهای ارائه شده راه دولت بدون پاسخ گذاشت و روز به روز، کار نان سخت و مردم بیچاره، از گرسنگی تلف می‌شوند و عملاً قریب، رشته انتظامات این شهر و اطراف، گسیخته خواهد شد.

دو هفته پس از ارسال تلگراف علماء، در اواخر قوس، آذر، وضعیت قحطی در اصفهان، به مراتب شدیدتر شد و «اهالی شهر، به واسطه گرسنگی و کسی غله، بی‌اندازه مضطرب و چهارده روز است تمام دکاکین، تعطیل و اهالی، در تلگرافخانه متحصن شده، روزی نیست که پنجاه، شصت نفر از گرسنگی تلف نشوند». (۲۷)

تا اینکه بالاخره در اواسط جدی ۱۲۹۶، وضعیت ارزاق در اصفهان، بهبود یافت و بنا به گزارشی در این خصوص، ۵۵ در این چند روزه، با اقدامات ابالت جلیله و آقای موفق الدوله، عمل نان، رو به بهبود و فراوانی گذاشته و از طرف دهات نزدیک شهر، همه روزه نان می‌آوردند. قریب چهار صد بار آورد، از طریق گردنه وارد و تا یک اندازه، وسایل راحتی اهالی، از بابت نان فراهم گردیده و نیز، در محلات، به همت و فتوت بعضی از نوع پرستان، تاسیس شرکت خیریه شده و جدا از بائروتان هر محله، اعانه جمع‌آوری نموده و دکاکین خیازی را باز کرده و مجانی به فقرا، نان می‌دهند. (۲۸)

در اردبیل، در نتیجه همکاری حاکم شهر با اهالی و اقدامات مؤثری که در این باره انجام شد، قحطی، دامنه گسترده‌ای در شهر نگرفته و نسبت به شهرهای دیگر اطراف، وضعیت اردبیل، به مراتب بهتر بود (گزارش شماره ۴۱).

البته در این میان، می‌باید به اقدامات محدود دولت، در قبال کمبود ارزاق در شهرستانها نیز، اشاره‌ای شود. این اقدامات، به طور مشخص، منحصر به صدور احکام تلگرافی بوده (۲۹) و تأثیر مهمی در مورد حل مشکل نداشت. جمع بندی: پس از بررسی اجمالی ابعاد قحطی سال ۱۲۹۶، که بعدها به دلیل رواج دمپختک‌پزی در تهران، به سال دمپختک مشهور شد، لازم است مروری مختصر بر علل و عوامل به وجود آمدن قحطی، انجام شود. به طور کلی، عوامل ایجادکننده این وضعیت راه، می‌توان در عناوین ذیل، خلاصه کرد:

۱ - عوامل طبیعی

علت اولیه به وجود آمدن قحطی راه می باید در عوامل طبیعی جستجو کرد. کاهش نزولات جوی، بروز آفات (سن زدگی) و متعاقب آن، بروز خشکسالی، پدیده های طبیعی بود که کم و بیش در اواخر سال ۱۲۹۵ و اوایل سال ۱۲۹۶، در اکثر مناطق ایران مشاهده می شد. در فستهای قبلی هنگام بررسی گزارشهای عوامل جوی، مورد اشاره قرار گرفت. البته در این باره، نباید از توجه به این نکته غفلت نمود که به رغم اشارات متعدد به موضوع کم آبی در گزارشهای مذکور، این معضل، در تمام نقاط کشور یکسان نبوده است. و اگر بدرستی، موضوع، مورد بررسی قرار گیرد، مشخص می شود که تنها در پاره ای مناطق گرمسیری کشور، کم آبی، تهدید جدی به شمار می رفته و در اکثر مناطق عوامل طبیعی نظیر کاهش نزولات آسمانی، علت اصلی به وجود آمدن قحطی محسوب نمی شده است.

۲ - عوامل اقتصادی

از حدود اواسط تابستان ۱۲۹۶، مناسب نبودن فصل زراعی و کاهش سطح برداشت محصولات کشاورزی، زمینه مناسبی برای فعالیت مستکبران و دلالان فراهم ساخت. در جای جای گزارشهای ارائه شده در این مقاله، اشارات مهمی به فعالیت مستکبران شده است. احتکار گندم در برخی از مناطق حاصلخیز کشور نظیر اراک، زنجان و دامغان، مانع از عرضه آن در مناطق یومی و نیز صدور به مناطق نیازمند نظیر تهران و قم شد. این وضعیت، مآلاً منجر به کمبود عرضه، رشد قیمت و حائلی شد که از آن، بدرستی به نام قحطی مصنوعی نام برده اند. در صف مستکبران، می باید از ملاکان، زمینداران بزرگ، دلالان خرید و فروش گندم، جو و دیگر ارزاق، و نیز، تعدادی از مقامات دولتی دست اندر کار نظیر پاره ای از حکام ابالات و ماموران مالیه نام برد. در مجموع، عوامل اقتصادی، تاثیر اصلی و مهم را بر قحطی سال ۱۲۹۶ باقی گذار و ریشه بسیاری از وقایع این بحران راه می باید در فعالیتهای اقتصادی دلالان و مستکبران جستجو کرد.

۳ - قوای خارجی مستقر در ایران

یکی از عوامل مهم تاثیر گذار در قحطی سال ۱۲۹۶، وجود نیروهای خارجی مستقر در ایران بود. در آن زمان و در هنگامه جنگ جهانی اول، نیروهای نظامی روسی، انگلیسی و عثمانی، تقریباً تمامی مناطق ایران را، عرضه تاخت و تاز و درگیری نظامی خود با یکدیگر کرده بودند. حضور نیروهای مزبور خصوصاً در مناطق غرب و شمال غربی کشور، تاثیر مهمی بر کلیه مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران باقی گذارد.

بدیهی است، وقوع قحطی و کمبود مواد غذایی نیز، نمی توانست بی تاثیر از حضور و فعالیت نیروهای مذکور باشد. با آشکار شدن نخستین علائم خشکسالی و کمبود ارزاق، نیروهای خارجی، بسرعت اقدام به خرید مواد غذایی در مناطق تحت اشغال خود و ذخیره سازی آن کردند. در غرب و شمال غرب، روسها لگام گسیخته از انقلاب اکثر، در شهرها و مناطق حاصلخیز مختلف ایران، خرید و احتکار گندم را آغاز نمودند (اسناد شماره ۱۸، ۱۴). تاثیر این اقدام راه می توان در خلال اسناد و گزارشهای موجود، دریافت. عمادالدوله، رئیس مالیه کرمانشاهان، در سنبله ا شهریور خطاب به خزانه داری کل گفت: «تمام ذخیره و آذوقه یکساله اهالی فلک زده این شهر و ضعیفات ارأمی خواهند

بگیرند و اگر از حالا رفع این محظور نشود، قطعاً در این زمستان، قحطی و سختی در این شهر خواهد افتاده (اسناد شماره ۱۴). در شهرهای دیگر همچون فروین، همدان، کردستان و زنجان نیز، حکایت همان حکایت بود. در زنجان، انبارهای غله واه قشون روس مستقر در آن منطقه، مهر و موم کرد. (۳۰) در قزوین در اواخر عرق آباب، روسها، کلیه انبارهای غله و اتوقیف کرده و کماکان ساندتپها، مشغول سرقه می باشند. (۳۱) در همان زمان در ملایر، به فراخیر خصوصی، در روز قبل روسها، هزار خروار جنس از اهالی خواسته اند. معادل ششصد خروار به آنها داده شده و چون بقیه موجود نبوده، روسها، خیال داشتند به خانه های آنها بروند. اهالی، شکایت از تعدیات سابق و لاحق روسها، به وزارت داخله کردند. (۳۲)

اسناد و گزارشهای نیز، از فعالیت نیروهای عثمانی و انگلیسی در زمینه گردآوری غله و آذوقه، وجود دارد (اسناد شماره ۱۹ و گزارش شماره ۴۲). البته بلافاصله باید این نکته را یادآوری نمود که بخش خارجی سفارتخانه های دولتهای خارجی، همکاریهایی با دولت ایران، در جهت جلوگیری از تعدیات نیروهای نظامی خود در ایران انجام دادند. به طور مثال، در پاسخ به متدالعمال ارسالی وزارت خارجه ایران به سفارتخانه های خارجی مستقر در تهران در اوایل قوس آذوقه، منی بر معرفی یک نفر از جانب سفارت، جهت جلوگیری از بعضی اشخاص که به نام سفارتخانه ها، جنس احتکار کرده اند، سفارت انگلیس، «کتاباً با تقاضای دولت، مساعدت نمود و آقای میرزایحیی خان راه برای این امر انتخاب و معرفی کرد». (۳۳) سفارت روس هم، «آقا محمدجواد گنجی ای راه وزارت امور خارجه معرفی کرد تا با ماموران دولت، در کشف انبارهای مستکبران اقدام نمایند». (۳۴) در همین باره، ژنرال باراتف نیز، اقدامات نافرجامی برای جلوگیری از تعدیات نظامیان روسی انجام داد (اسناد شماره ۱۶ و ۱۵).

علاوه بر موارد فوق، می باید به ورود آرد از هندوستان به ایران به وسیله انگلیسیها و توزیع آن در مناطق جنوبی ایران، اشاره کرد. اشاره جیمز مایولی (۳۵) به این موضوع، همخوانی نسبی با گزارشهای موجود دارد. در هنگام بررسی وضعیت اصفهان از بهبود و فراوانی ناگهانی وضعیت غله در آن شهر، در جدی ۱۲۹۶ یاد شد. عامل اصلی این بهبود چیزی جز ورود چهارصد بار آرده به آن شهر نبود. (۳۶) همچنین، در شیراز، که اصولاً هیچگاه قحطی، به شکل جدی، نمود پیدا نکرد. بنا به گزارشی در این زمینه در اواخر عرق آباب در شیراز، «چهل و چهار دکان، نان ناوه و هر کدام هر روز، هشتاد من آرد پخت می کند، خیلی از وحشت مردم جلوگیری و اسباب رفاهیت شده است. این نان را، از قرار منی دو قران و چهارصد دینار، می فروشند. ابالت هم مفتش مخصوصی برای این کار معین نموده است که گران نفروشند». (۳۷)

بدیهی است، هدف دولت انگلیس از این اقدام، اسکات اهالی جنوب ایران بود. در آن زمان، نیروهای انگلیس، نزاع سنگینی با عثمانیها در بین النهرین و قفقاز داشتند و از به وجود آمدن مشکلات جدید در مناطق تحت نفوذ خود در ایران، آگراه داشتند.

۴ - ناکارائی و فساد دستگاه اداری و دولتی ایران

در میان عوامل پدیدآورنده قحطی سال ۱۲۹۶، ناکارائی و فساد دستگاه اداری و دولتی ایران، جایگاه خاصی دارد. در خلال گزارشهای ارائه شده در

این مقاله، گزارا به موضوع فساد دستگاه اداری و همکاری آنها با محترکان، اشاره شده است. در یک جمع بندی، مشخص می شود که موضوع قحطی، آنچنان که تصور می رود، به دلیل نامساعد بودن شرایط جوی نبوده، بلکه توزیع نامناسب و ناکارایی دستگاه اداری و دولتی در قبال آن بحران، نقش مهمتری داشته است و علل مختلفی چون درگیریهای جناحی درون حاکمیت، (۲۸) سودجویی مقامات دولتی و ناتوان بودن آنها در مقابله با شرایط بحران، نقش داشته است و تاثیر شگرفی در تبدیل کردن مسئله ای محدود و محلی به بحران عظیم ملی داشت. مروری مجدد بر مقاله «باز هم آذوقه تهران و ولایات» (مقاله شماره ۱) گویای این موضوع است. همچنین، موضوعات بیان شده در مصاحبه از باب کیخسرو، در اواخر عقرب (آبان ۱۲۹۶) (گزارش شماره ۲۳) آگاهی مناسبی پیرامون واقعیت پشت پرده قحطی، نمایان می سازد.

او، در پاسخ به سؤالی پیرامون اشکالات و موانع حل گندم و برنج به تهران، بیان کرده است: «در موانع عمده، پیش آمده که خیلی اسباب زحمت است و جلوگیری از موفقیت کامل من، در تهیه جنس برای تهران نموده است. این دو مانع، یکی مלאکین و دیگری مامورین دولتی هستند. مלאکین، که هر کدام، چندین هزار اخروار اجنس را احتکار کرده اند که فردا یا خون مردم میادله کنند

به محض اینکه می بیند دولت، شروع به خرید گندم نموده، فوراً مردم را تحریک به شورش و بلوا می نمایند. حکام نیز، که اغلب خودشان، از همان مלאکین می باشند، تلگرافات به دولت می کنند که در این محل، گندم برای اهالی نیست؛ مردم، شورش کرده اند. به این طریق، خاطر اولیای دولت را، متوحش می نمایند» (گزارش شماره ۲۳).

اطلاعات و یافته های مذکور، راهگشای بسیاری از ابهامات موجود در بازخوانی پرونده قحطی سال ۱۲۹۶ است. آنچه مشخص است، این است که مقامات ایرانی اعم از مرکزی و ولایات، قادر و توانا بر حل مشکل پدید آمده بودند، و حداقل این توانایی را داشتند که مانع گسترش آن شوند، ولی عوامل پیشگفته و خصوصاً رقابتهای موجود در درون حاکمیت ایران، مانع مهمی در حل معضلی شد که چالش عظیمی در اقتصاد ایران، در بحرانی ترین شرایط طی دو قرن اخیر، ایجاد کرد و در نهایت، بارشهای باران و برف، که از اواخر سال ۱۲۹۶ آغاز شده بود، نقطه شروعی بر پایان ماجرای قحطی، طی ماههای بعدی شد.



مکتب خردتک، مجله علمی مردم پسندی





گزارش شماره ۱

راپورت تبریز، راجع به جنس

تلگرافات داخله، مورخ ۲۸ سرطان ۱۳۱۷ رمضان

تبریز: انبار ذخیره، قریب به اتمام است. با وحشت فوق العاده، دسته به دسته جهت استعلاج فوری، نزد ابانت می روند. جناب شریف الدوله هم، اوقات شبانه روز خود را مصروف به این کار داشته، قزاق به دهات حول و حوش می فرستند. هر جا هر قدر غله هست چه مال رعایای خارجه و چه متعلق به رعایای داخله، فوراً با کرایه حمل به شهر نمایند. پانصد، شش صد بار هم وارد شده تا امروز خیازخانه ها در تحت کنترل، همه دکانها دایر و بسته نشده است. امید است با این جدیت، که مشغول اقدامات هستند، در ظرف این چند روزه از اطراف غله، وارد شهر شده، خیازخانه ها از کار نیفتند. (۳۹)

گزارش شماره ۲

اهمیت اوضاع تبریز

تلگرافات داخله، مورخ ۳ برج اسد ۱۵ شهر شوال السکرم

تبریز: وضع شهر از بابت انتشار بعضی اخبار موحنه و از بابت تمام شدن غله انبار و ذخیره، ساعت به ساعت کسب اهمیت می نمایند. زن و مرد، در جلو دکان خیازان جمع و اغلب پس از معطلی زیاد و ناامید شده، مراجعت می نمایند. حقیقتاً ذلت اهالی شهر، از هر جهت رفت انگیز است. شریف الدوله، با اهالی از طلوع آفتاب مشغول فراهم کردن وسایل حمل غله به شهر می باشد. خدای نکرده چند روزی هم به این ترتیب بگذرد، شدت گرسنگی مردم و قحطی، تولید اشکالات عظیم خواهد کرد که جلوگیری هم مشکل خواهد شد. چون قبلاً تهیه مال برای حمل غله نشده بود، حاله به صعوبت از این طرف و آن طرف مال پیدا می نمایند و آنها هم، به قدر کفایت نیستند. یعنی یک مرتبه که مال را وارد شهر کردند، باز باید مراجعت نمایند تا بار دیگری حمل کنند، چند روز طول می کشد. (۴۰)

گزارش شماره ۳

در قزوین

رپورت کتبی از قزوین، مشعر است که کار ارزاق در قزوین، زیاده از حد سخت شده، خصوصاً آنان که ابتدا ماکول نمی باشد. آقای حاجی سید حسین، کمی نان را بهانه خود قرار داده، در این موقع خطرناک، جماعتی را به دور خود آورده که به مسجد شاه جمع و گاهی به حالت اجماع به دارالحکومه می برد آنچه نباید بشود، به واسطه این حرکات شد، خداوند، به باقی ماندگان ترحم نماید. آنتریک متفقدین و عزیزان بی جهت در موضوع انتخابات به اندازه ای رواج یافته که اگر جلوگیری نشود، انتخاب در قزوین بیهوده و لغو خواهد بود. اگر باید از قزوین و کیل انتخاب شود، از طرف دولت مراقبت تام لازم است. (۴۱)

مقاله شماره ۱

باز هم آذوقه تهران و ولایات

عسرت و تنگی آذوقه در پایتخت و ولایات، یک فضا به سهل و یک مخاطره کوچکی نیست که بتوان با سهل انگاری و ساسمه، از آن صرف نظر کرد.

با این فقر عمومی، با این ابتلاآت طاق فرسای دولت و ملت، گرانی ناز، بدتر و وحیم تر از آن، کمیایی و ترقی مصنوعی



در سرخرمن مشکلاتی تولید خواهد کرد که اگر به فوریت علاج نشود، جبران آن فوق العاده دشوار خواهد بود. واقعاً حسرت خیز است که دولت در بلوکات اطراف تهران، تنها از بابت احاره خالصجان، فریب ۵۸ هزار خروار در هذه نسنه، گندم و جو معایب، صورت ذیل موجود دارد:

من	خروار	
۵۰	۱۴۸۵۴	ورامین
۳۵	۱۳۵۸۷	ساوجبلاغ
-	۴۸۶۱	شهریار
-	۸۴۰۰	قشاقویه
-	۵۴۸۹	غار
-	۶۲۵۰	خوار
۷۹	۴۵۵۰	ساره

جمع کل، پنجاه و هفت هزار و نهصد و نود خروار و هشتاد و دومن. این مقدار، به استثنای مالکات جنسی اریایی است که اگر آن را نیز، اضافه نماییم، اقل گندم و جو، به هشتاد هزار خروار بالغ می شوند. در صورتی که جو را موضوع نسیبیم، لااقل فریب پنجاه هزار خروار گندم مال دولت موجود است و با آنکه این مقدار غله در اطراف در دسترس دارم و خرمن نیز، کوییده شده است، باز هم اوضاع نان تهران، به این حالت تأثر انگیز افتاده است.

غالباً مساجرین، به دستگیری رفقای اداری خود، مال دولت و ملت را برده و به عناوین مختلف تخفیف می گیرند و برای هذه نسنه نیز، زحمت آفت زدگی و تخفیف را مطرح کرده اند. در حاشی که هیچکس، انکار نتواند کرد که محصول اساله ورامین، خوار و ساوجبلاغ، خیلی بهتر از سال پر آب گذشته است و فقط یک قسمت کوچک یعنی چند قریه از غار، دچار آفت شده است.

خوشبختانه، همان طوری که در مقاله شماره گذشته پیشنهاد نمودیم، هیئت دولت، متعاقب پیشنهاد مزبور در جلسه صافقرابه تصمیم نمود که جمعی مأموران وزارت مایه، برای ضبط خرمنهای برداشته شده، به بلوکات اعزام دارند و بر خلاف همیشه، این دفعه مختصر جدیتی در اعزام مأمورین نشان داده شده است؛ ولی به طوری که شنیده شده است، در غالب از نقاط مخصوصاً در خوار، سنجرین، مقداری از گندم و جو را از خرمن برداشت نموده اند و حالاً جدیتی لازم است که مقدار برداشت آنها از روی دقت معین گردد.

قیاس خوراک یکساله تهران، فریب یکصد هزار خروار گندم تخمین شده است. در حالتی که نصف آن مقدار را به علاوه سی هزار خروار جو، که هر وقت احساس حسرت شود، می توان عوض گندم استعمال کرد. خود دولت، مالک می باشد. واقعاً اسباب حسرت است که به واسطه عدم ثبوت و رشد مأمورین دولتی، پیوسته نرخ غله به دست جمعی انبوه دار و محتکر قرار گرفته و اهالی بدبخت تهران، گرفتار این قبیل حسرت و گرانی شبیه به فحطی باشند.

همین وضعیات نامساعد، در سایر ولایات ایران نیز، به اشکال مختلف جریان دارد و غالباً قضیه گندم و عایدات جنسی دولت، یکی از عایدات هنگفت نامشروع پیشکاران مایه و حکام گردیده است. بدو یک قسمت از منتقدین ولایات، از دادن مالیات استنکاف کرده و به انواع مختلف، بدهی خود را نمی بردارند. آنچه پیشکاران مایه دریافت می نمایند، اگر محصول فراوان و نرخش ارزان باشد، غلات متعلق به دولت، از همه ارزاتر فروخته می شود. اگر ترقی داشته باشد، آن گاه به عناوین مختلف، به نام مفتضات و منافع دولت، رئیس مایه، قسمی زمین سازی و تعمیر می نماید که پس از فروش، نصف قیمت حقیقی آن، به خزانه مملکت نمی رسد. همین که حسرت و گرانی احساس شد، مسئولین این فلاکت، به کنار رفته و مضرات مادی و معنوی آن، عاید دولت و ملت می شود. مسئله گندم آذربایجان و پیشکار مایه سابق آن، بهترین نمونه این سرفتهای عینی است که از مایه مملکت فقیر، به عمل آمده است.

هیئت دولت، فعلاً برای ضبط باقیمانده محصولات اساله بلوکات اطراف تهران، مأمورین فرستاده و این اقدام، در حدود خود قابل تقدیر است. زیرا مقابله محصولات دولتی، عجاناً از حیث و میل و زمینه سازی برای گرفتن همان نوع تخفیفات متکونگی که سال قبل مستاجرین گرفتند، مصون خواهد ماند. لیکن این اقدام محدود، مخاطره حسرت و گرانی آینده را بر طرف، نخواهد کرد.

بنابراین، لازم است که توجه کاملتر و پیش بینیهای جامعتری در این باب به عمل آورده، علاج اساسی را جهت آذوقه



[سند شماره ۱]

آرم شیر و خورشید وزارت داخله، سواد مشروحه حکومت زاویه مقدسه

مقام محترم حکومت جلیله دارالخلافه دامت شوکنه مرقومه مبارکه در ذیل نمرة ۷۱۷۸ دو موضوع مقدار تخمین محصول زاویه مقدسه و غار و خوراک اهالی و سکنه اینجا، زیارت شد و گرچه در طی نمرات سابقه، مفصلاً عرض شده و احتمال می دهم شاید کلمه ده در موقع مکتوبه، از نمرة ۲۹۱ ساقط شده باشد و تصور فرموده باشید که در باب هزار و پانصد خروار است، در صورتی که در مینوت، ده هزار و پانصد خروار بوده و بر حسب تخمین مجدد معروض می دارد که حاصل اربابی بلوک غار و زاویه مقدسه، تقریباً ده هزار و پانصد خروار است و حاصل خالصه، تقریباً چهل هزار خروار. جمعاً، پنجاه هزار و پانصد خروار می شود. مقدار تقریبی خوراک کلیه بلوکات غار و زاویه مقدسه، در سال پانزده هزار خروار است که شش هزار خروار از این پانزده هزار خروار، فقط صرف خیازان زاویه مقدسه می شود از قرار ماهی پانصد خروار. اگر مقصود وزارت جلیله داخله و حکومت جلیله، غیر از این دو مسئله، مطلب دیگری است، مرقوم فرمائید تا جواب عرض شود. (۴۳)

سواد، مطابق با اصل (مغنا)

[سند شماره ۲]

خزانهداری کل، اداره خالصجات، نمرة ۱۹

راپورت هفتگی قریه کند بلوک اروادان

اطلاعات	محصول گندم و جو	بفر کاشته شده	ایام هفته
رعایای کند هم، مشغول کوبیدن و پاک کردن خرمنها می باشند.	-	ندارد	شنبه ۳ اسنبه
-	-	-	یکشنبه ۴ اسنبه
روز دوشنبه و سه شنبه، انبار گندم و جو کند را برگر دانید و روز چهارشنبه، به جای اژل ریخته شد آثار شیشه، در انبار جو پیدا شده است.	-	-	دوشنبه ۵ اسنبه
-	-	-	سه شنبه ۶ اسنبه
-	-	-	چهارشنبه ۷ اسنبه
-	-	-	پنجشنبه ۸ اسنبه
آب کند هم، خیلی کم است و حال آنکه شلتوک کند را، هیچ خالصه ندارد. هر سه روز یک مرتبه، آب به یک قسمت شلتوک می رود.	-	-	جمعه ۹ اسنبه

پیشنهاد، در موقع برگرداندن جو انبار کند، تقریباً پنجاه من جو ته انبار را همیشه خورده بود. امسال شیشه، زود شروع کرده است. باید زودتر جوهارا بوجاری کرد و بار گرفت که اسباب خسارت نشود. قدری از آن جو و شیشه را به اداره مالیه برای مشاهده، فرستادم
(در حاشیه، آمده است) از مرکز حکم شده است که جو، حمل نشود. با وجود اینکه بوجار فرستاده می شود که یکی کنند



ولی نمی دانم بالاخره چه خواهد شد. اگر اجازه داده شود، به نرخ عادلانه فروخته شود، بهتر است. متمنی است زودتر تکلیف را مشخص فرمائید. (امضا) (۴۴)

[سند شماره ۳]

خزانه داری کل، اداره خالصجات، نمره ۱۹

دایورت هفتگی قریه هشت آباد بلوک ارادان

ایام هفته	بذر کاشته شده	محصول گندم وجود	اطلاعات
شنبه ۳ اسنبه	ندارد	مقدار ده هزار خروار و سی هشت من گندم بازمه لکه در هجدهم و نوزدهم سنبله کاشته شد.	رعایای هشت آباد، در این هفته مشغول کسبیدن و پاک کردن خرمها بودند.
یکشنبه ۴ اسنبه	-	-	آب رودخانه، خیلی کم شده است و آب هشت آباد، کفاف شلتوک و صیفی را نمی دهد. جای افسوس است که در این موقع شلتوک، از بی آبی فوت نخورد.
دوشنبه ۵ اسنبه	-	-	پروزی یکشنبه ۴ اسنبه، انبار جو هشت آباد را برگردانید، با کمال زحمت دوباره به جای نول ریخته شد.
سهشنبه ۶ اسنبه	-	-	آثار مورانه، در اطراف دیوارهای انبار جو ظاهر بود. باید زودتر حوها را بار گرفت که اگر بماند، اسباب ضرر دولت خواهند شد.
چهارشنبه ۷ اسنبه	-	-	-
پنجشنبه ۸ اسنبه	-	-	-
جمعه ۹ اسنبه	-	-	-

پیشنهاد خوب است اداره مالی، مقرر کند که جوهای هشت آباد را، بوجاری کنند و بار بگیرند که اگر بماند، اسباب ضرر دولت می شود.

(در حاشیه، آمده است) No. ۷۴-۸۶

انبارهای جنس، عموماً گرم خواهد زد. در صورتی که اگر جو، هیچ حمل نشود، اسباب ضرر خواهد بود. متمنی است در این باب، تکلیفی مشخص فرمائید. عقیده بنده، بر آن است که اگر با گندم می توانیم مبادله کنیم، به نرخ عادلانه بلوک بفروشیم. بعضی از ساریانها، میل به خریداری دارند، ولی اجازه نداریم. نرخ جو، در اینجا از ۵۵ الی ۶۰ قران است هر یک خروار. (۴۵) (امضا)

[گزارش شماره ۴]

همه در بازار

عصر روز گذشته، چند نفر از سربازان گارد، برای خرید نان به دکان خیابانی بازار مرغی ورود کرده، نظر به همه که فها به واسطه کثرت جمعیت در دکانین موجود می باشد. در بازار شایعه می شود که منازعه بین سرباز و آژان شروع و متوسل به استعمال اسلحه گردیده اند. کسبه، از شدت اضطراب، نظر به سابقه مذاکرات اختلال آمیز، شروع به بستن دکانین نموده، صدای نخته ها موجب می شود که به فوریت، تمام بازار بسته شود. خبر به اداره نظمی رسیده، فوری رئیس اداره تأمیبات، با یک عده آژان وارد بازار شده و کسبه را مطمئن کرده و اذاز به باز کردن دکانین شود می نمایند. پس از تحقیقات، مشخص شده که





مناقشه و مباحثه، وجود نداشته و بی جهت یک وحشتی در افکار کسبه تولید شده بود. از فراری که استنباط می شود، مخصوصاً اشخاصی، قبلاً حاضر برای تولید و حسنت در افکار بازاریها بوده اند. مقتضی است اداره نظمی، اشخاصی را که محرک هيجان می باشند، تعقیب کرده، از این قبیل وقایع جلوگیری نمایند. (۴۶)

[گزارش شماره ۵]

ارزاق عمومی

گذشته از مسئله نان، که جالب دقت و توجه عمومی گردیده و هیئت محترم دولت، بذل اهتمام در اصلاح آن را، منظور نظر فرار داده اند. سایر اجناس و ارزاق نیز، که طرف احتیاج عمومی و مراقبت آن به عهده اداره حکومتی و بلدیّه است، بسی جانب توجه می باشد. برای این امر، سابقاً در اداره حکومتی، جلساتی با حضور رؤسای اصناف منعقد می شد، لیکن نتیجه آن، مسکوت عنده اند. مسئله قیمت برنج و روغن و زغال و غیره، در صورتی که حالیه، موقع و ضرورت آنهایی باشد، به جای خود خالی از اهمیت نیست، حیوانات و میوه، که به تصدیق عامه، بیش از سنوات سابق زیاد و افر می باشد، به قدری گران به فروش می رسد که اشخاص بی بضاعت که ممکن است در موقع ضرورت، از آنها رفع گرسنگی نمایند، دچار زحمت می باشند. مقتضی است که حکمران دارالخلافه، بذل توجهی در این امر به عمل آورده، با اطلاع اشخاص بصیر، قیمت ثابتی برای این قبیل اجناس، تعیین و کسبه را ملتمس به اجرای آن نمایند و از اعمال دلالها، که وسیله بزرگی برای ترفی بعضی اجناس و مخصوصاً زغال می باشد، جلوگیری به عمل آید. (۴۷)

[گزارش شماره ۶]

فهرست قیمت اجناس و ارزاق

تهران - هفته اول جدی ۱۳۹۵ (۴۸)

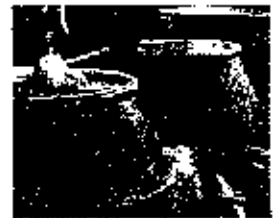
نوع جنس		وزن		حدائق		حد اکثر	
		دینار	قران	دینار	قران	دینار	قران
گندم		۱۰۰	۱۱۰	-	۱۷۰	-	۲۵۰
جو		-	-	-	۱۵۸	-	۱۶۹
برنج سفید کرده		۲	۲	-	۱۹	-	۱۷ [۲۰۰]
برنج زردچه		۳	۳	-	۱۵	۵۰۰	۱۷ [۳۸۰]

[گزارش شماره ۷]

نرخ اجناس و ارزاق

تهران - هفته اول دیو ۱۳۹۵ (۴۹)

نوع جنس		وزن		حدائق		حد اکثر	
		دینار	قران	دینار	قران	دینار	قران
گندم		۱۰۰	۱۰۰	-	۱۵۷	-	۲۵۰
جو		-	-	-	۱۵۰	-	۱۷۰
برنج زردچه		۲	۲	-	۱۵	-	۱۹ [۲۰۰]
برنج سفید		۳	۳	-	۱۶	۵۰۰	۱۷ [۳۸۰]





[گزارش شماره ۸]

فرخ ارزاق و اجناس (در تهران) (۵۰)

مظنه روز پنجشنبه ۲۳ عقرب در تهران

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۵۲۰	-	۵۸۰	-
جو	"	۴۰۰	-	۴۴۰	-
سیب زمینی	"	۷۰۰	-	۲۲۰	-
برنج صدری	"	۸۰۰	-	-	-
برنج سفید	"	۶۸۰	-	-	-
برنج زردجه	"	۶۲۰	-	۶۵۰	-
برنج گرده	"	۲	۴۰۰	-	-
نان سنگک	یک من	۲	۲۰۰	-	۸۰۰
نان تافتون	"	۲	۲۰۰	۴	-
نان لواش	"	۳	۶۰۰	-	-



[گزارش شماره ۹] پیروز علوم اسلامی

فرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۱)

مظنه روز پنجشنبه ۳۰ عقرب در تهران

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۵۵۰	-	۵۸۰	-
جو	"	۲۴۰	-	۴۵۰	-
سیب زمینی	"	۲۲۰	-	۲۵۰	-
برنج صدری	"	۷۲۰	-	۷۵۰	-
برنج سفید	"	-	-	۸۰۰	-
برنج زردجه	"	۶۸۰	-	۷۰۰	-
برنج گرده	"	۶۵۰	-	۶۷۰	-
نان سنگک	یک من	-	-	۲	۴۰۰
نان تافتون	"	۲	۴۰۰	۵۱	۶۰۰
نان لواش	"	-	-	۲	۸۰۰



[گزارش شماره ۱۰]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۲)

مظنه روز پنجشنبه هفتم قوس در تهران

نوع جنس		وزن		حد اقل		حد اکثر	
قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار
گندم		یک خروار		۵۵۰	-	۵۸۰	-
جو		"		۴۱۰	-	۴۳۰	-
سیب زمینی		"		۳۱۰	-	۳۴۰	-
برنج صدری		"		۶۳۰	-	۶۵۰	-
برنج سفید		"		-	-	۸۰۰	-
برنج زردچه		"		۵۳۰	-	۷۰۰	-
برنج گرده		"		۵۴۰	-	۵۹۰	-
نان سنگک		یک من		-	-	۲	۲۰۰
نان تافتون		"		۲	۲۰۰	۵	۶۰۰
نان لواش		"		-	-	۲	۸۰۰



[گزارش شماره ۱۱]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۳)

مظنه روز پنجشنبه ششم جدی

نوع جنس		وزن		حد اقل		حد اکثر	
قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار	قران	دينار
گندم		یک خروار		۶۶۰	-	۶۸۰	-
جو		"		۴۲۰	-	۴۴۰	-
سیب زمینی		"		۲۴۰	-	۳۰۰	-
برنج صدری		"		۷۰۰	-	۷۲۰	-
برنج سفید		"		-	-	-	-
برنج زردچه		"		۶۶۰	-	۶۸۰	-
برنج گرده		"		۶۵۰	-	۶۸۰	-
نان سنگک		یک من		-	-	۲	۶۰۰
نان تافتون		"		-	-	۶	۲۰۰
نان لواش		"		-	-	۵	۲۰۰



[گزارش شماره ۱۲]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۴)

مظنه روز پنجمه سیزدهم جدی

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۶۶۰	-	۷۰۰	-
جو	"	۴۵۰	-	۵۰۱	-
سیب زمینی	"	۲۴۰	-	۳۰۰	-
برنج صدری	"	۷۰۰	-	۷۳۰	-
برنج سفید	"	-	-	-	-
برنج زردچه	"	-	-	۶۹۰	-
برنج گرده	"	۶۵۰	-	۶۹۰	-
نان سنگک	یک من	-	-	۴	۶۰۰
نان تافتون	"	-	-	۶	۲۰۰
نان لواش	"	-	-	۶	-



[گزارش شماره ۱۳]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۵۵)

مظنه روز پنجمه بیستم جدی

نوع جنس	وزن	حداقل		حداکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۷۰۰	-	۷۵۰	-
جو	"	۵۵۰	-	۵۵۰	-
سیب زمینی	"	۲۴۰	-	۳۰۰	-
برنج صدری	"	-	-	۷۸۰	-
برنج سفید	"	-	-	-	-
برنج زردچه	"	-	-	۶۹۰	-
برنج گرده	"	۶۵۰	-	۶۹۰	-
نان سنگک	یک من	-	-	۴	۶۰۰
نان تافتون	"	۴	-	۶	۸۰۰
نان لواش	"	-	-	۶	-



[گزارش شماره ۱۲]

نرخ ارزاق و اجناس در تهران (۱۵۶)

مقننه روز پنجشنبه بیست و پنجم دیو

نوع جنس	وزن	حد اقل		حد اکثر	
		قران	دینار	قران	دینار
گندم	یک خروار	۸۵۰	-	۹۳۰	-
جو	"	-	-	۷۰۰	-
سیب زمینی	"	۲۵۰	-	۲۸۰	-
برنج صدری	"	-	-	۹۰۰	-
برنج سفید	"	-	-	۱۰۰۰	-
برنج زردچه	"	-	-	۷۸۰	-
برنج کرده	"	-	-	۷۴۰	-
نان سنگک	یک من	-	-	۶	-
نان نافتون	"	۵	-	۸	-
نان لواش	"	-	-	۶	۶۰

[گزارش شماره ۱۵]

برای خان

دیروز یکشنبه دوم صفر اندو ساعت قبل از ظهر، یک عده زن، از طرف قنات آباد به طرف بازار آمده، برای کمی نان، از کسبه تقاضای تعطیل عمومی نموده اند و دو دسته دیگر هم، از نقاط مختلف به بازار آمده، صدای شیون بلند می کنند، بدو دکانین بزرگی و بعد سایر نقاط را تعطیل می نمایند، یکی دو نفر، به بازار کشد و زهارفته که آنها را هم تشویق به تعطیل نمایند، آنها قبول نکرده، حتی برای دفاع حاضر می شوند.

جمعی فریب هتصد نفر زن و مرد، که سردسته آنها، مشهدی محمد قربانزاده و سید حسن، پسر حاجی سید مصطفی قنات آبادی بود، به ارک آمده، بنای داد و فریاد می گذارند. قربانزاده، شرحی راجع به کمی غله، اظهار و بعضی نسبتها هم به آقای وزیر مالیه می داده است.

کمیسری بازار، مراتب را به نظمی اطلاع و کسب تکلیف می نماید، کلنل و ستر اهل و مازور استوار، به محل واقعه حاضر شده، به کمیسری امر نمود که مردم را متفرق و دکانین را باز نمایند. عده ای از آن سوار، احضار و امر به دستگیری مشهدی محمد و سید حسن و دو سه نفر دیگر، نمود، آنها را جنب به نظمی و از دیروز عصری شروع به استنطاق آنها می نماید.

مامورین کمیسری بازار، به معیت از آنها سواره، به هر نحوی بود، مردم را متقاعد نمودند که مشغول کار خود شده، تا هشت و زوره به فراغت کامل برای ترفیه حال عمومی و تسهیل امر نان، اقدامات لازمه را به عمل آورند، به هر نحوی بود، مردم، متقاعد و دکانین خود را باز نمودند. طرف عصر هم، راپورتش از طرف کمیسری بازار به اداره نظمی رسید، مبنی بر آنکه دو نفر زن، که معرک واقعی بودند، دستگیر شده اند. (۵۷)



گزارش شماره ۱۶

عده فقر (۵۸)

صورت احصائیة فقرا که نظیب، توسط کمیسارباهای حاضر به وزارت داخله ارسال داشته است.

کمیسری نمبر ۱	۷۵ نفر
کمیسری نمبر ۲	۵۰۲ نفر
کمیسری نمبر ۳	۲۲ نفر
کمیسری نمبر ۴	۳۸۰ نفر
کمیسری نمبر ۵	۱۲۷ نفر
کمیسری نمبر ۶	۲۴۰ نفر
کمیسری نمبر ۷	۱۳۲ نفر
کمیسری نمبر ۸	۲۰۰ نفر
کمیسری نمبر ۹	۳۲۷ نفر
کمیسری نمبر ۱۰	۲۷ نفر

۲۲۶۵ نفر

گزارش شماره ۱۷

عده متوفیات تهران (۵۹)

از اول برج عقرب لغایت ۱۰ برج مزبور، متوفیات شهری، دارای امراض ذیل بوده اند:

دینه بولو (۵۳) نفر، تب و نوبه (۵۰)، نامعلوم (۴۸)، اسهال (۴۵)، حصیه (۳۶)، تب لازم (۲۳)، اسهال (۲۱)، سرخک (۱۳)، وضع حمل (۸)، کیر (۶)، سیاه رشم (۵)، بی تبیری (۵)، فالج (۵)، گنودرد (۵)، حبس ایول (۶)، جمله (۴)، توبه غش (۴)، ضیق النفس (۳)، باد سرخ (۲)، مقنول (۳)، مسموم (۱)، سیاه سرفه (۳)، دل درد (۳)، سر طان (۳)، سقط شده (۱)، قولنج (۱)، خفه شده (۱)، ذات الریه (۱)، یرقان (۱)، شقاقلوس (۱)، سرسام (۱)، ذات الجنب (۱)، جنون (۱)، خنازیر (۱)، خون دماغ (۱).

جمع کل: ۳۸۲ نفر

گزارش شماره ۱۸

راجع به اموات فقرا

دائرة محترمة جریده فریاده، عاد، دام بقانه

در جریده شریفه، شرحی در اظهار تاسف از تاخیر تقسیم و تدفین جنازه در غسلخانه درج فرموده بودند. برای اطلاع خاطر محترم، معروض می دارم که اداره حکومت و بلدیه، وجهی برای مخارج دفن اموات مجاناً ندارد. تاکنون هرچه جنازه فقیر و بی بضاعت، که از اداره نظمیة و کمیسریها و غیره فرستاده اند که عده آنها، از ۲۰ محرم هذالسنه تاکنون یکصد و هجده نفر زن و مرد و یکصد و دو نفر طفل، از دوازده ساله به پائین بوده، اداره حکومتی جواز مجاناً داده و در غسلخانه کفن و دفن نموده اند. چون عده اموات مجانی، به واسطه فقر و علل دیگر زیاد است و اعتباری هم برای مخارج آنها نبوده، از طرف





حکومت پیشنهادی در یک ماه قبل به وزارت جلیله داخله داده شده که مبلغی در ماه اعتبار داده شود؛ آن هم تا به حال تصویب نشده و اگر در غسالخانه تاخیری در تفسیل و تدفین جنازه شده، امواتی بوده است که جواز طیب نداشته با اموات مشکوک بوده که باید طیب قانونی عدلیه اعظم، معاینه و جواز بدهد. ممکن است هفت، هشت ساعتی یا یک روز به تاخیر بیفتد و الا جهت دیگر ندارد.

رئیس کابینه حکومت و یلندیه نصیر السلطان (۶۰)

[سند شماره ۴]

آرم شیر و خورشید [تجار تخانه برادران تومانیانس، تهران، به تاریخ

۵ شهریور ۱۳۳۵، نمره ۷۸۵۹۹

مقام منبع وزارت جلیله مالبه، دامت شوکت
به موجب مرقومه مطاعه نمره ۹۹۳۳ آن وزارت جلیله، مطابق صورتی که لغاً تقدیم می شود، موازی یکصد و چهل و هشت خروار و بیست و سه من و نیم برنج، از مازندران اتباع و برای آذوقه تهران حمل [شده] و در انبار مخصوص، محفوظ و قیمت آن، به انضمام کرایه حمل و انبارداری و محارج متفرقه، معادل پنجهزار و نهصد و دوازده تومان و هشت هزار و دوست و پنجاه دینار است.
چون در این موقع، محتسب است به واسطه شپشک و نظایر آن، برنج، در انبار فاسد شده و موجب خسارت باشد، لذا خاطر محترم اولیای آن وزارت جلیله را به این مسئله متوجه کرده و منتظر است راجع به برنج مزبور، هر طو و دستور فرمایند، رفتار نمایند.



الکساندر تومانیانس (امضا) (۶۱)

[سند شماره ۵]

آرم شیر و خورشید [ریاست وزرا، نمره ۱۱۲۷، به تاریخ ۲۶ برج سنبله ۱۳۳۵

وزارت جلیله مالبه
در جلسه ۳۰ ذی قعدة، مطابق ۲۶ سنبله ۱۳۳۵، هیئت وزرا، تصویب فرمودند که وزارت جلیله مالبه، معادل مقدار ده هزار خروار برنج، برای کمک به نان شهر تهران خریداری و حمل به تهران نمایند. تصویبنامه، در کابینه ریاست وزرا ضبط است.

[امضا] مهر ریاست وزرا

[در حاشیه، آمده است. اداره خزانه کل
تصویر نامه فوق را، که مدرکی صدور حوالجات قیمت برنج خریداری است، ضبط نمایند.

۷ میزان ۱۳۵ [امضا] (۶۲)

[سند شماره ۵]

آرم شیر و خورشید [تجار تخانه برادران تومانیانس، تهران، به تاریخ

۱۳ شهریور ذی حجه ۱۳۳۵، نمره ۷۸۹۰۴



مقام منبع وزارت جلیله مایه، شامت شوکنه

در خصوص خرید برنج، بنابر مذاکرات شفاهی، که چند روز قبل به عمل آمد، تجارتخانه، فوری آنچه اقدامات لازم است، نموده و تلگرافاً به شعبات و گماشتگان تجارتخانه در مازندران، اخطار شد که هر قدر برنج ممکن باشد، خریداری و فوراً حمل نمایند.

جواباً اطلاع داده اند که برنج کهنه یعنی متعلق به پار سال، ممکن نیست خریداری شود؛ به واسطه اینکه تمام شده، برنج سینه ماضیه، در محل باقی نمانده، ولی از بابت برنج تازه، که تقریباً پانزده روزه به دست خواهد آمد، اطمینان داده اند که جداً مشغول کار شده اند و در موقع، خریداری و حمل خواهد شد. در خصوص این خرید برنج، لازم بود که از طرف آن وزارت جلیله، دو فقره کتاب مرقوم شود:

۱. در موضوع خرید و حمل برنج مذکور فوق، بنا بود کتاب به تجارتخانه مرقوم فرمایند. تا به حال از طرف آن وزارت جلیله، دستخطی زیارت نشده، خواهشمند است کتاب دستور العمل لازم را، مرقوم فرمایند.

۲. برای خرید برنج مذکور فوق، بنا بود اعتباری به تجارتخانه از طرف آن وزارت جلیله، داده شود؛ تا به حال مرحمت نشده، خواهشمند است مقرر فرمایند، اعتبار نامه لازم را، مرحمت شود که اسباب معطلی در تهیه برنج فراهم نشود.

ایام شوکت برقرار [امضا]

الساعة، تلگرافی رسید که مقداری برنج، خریداری نموده اند که فوری حمل خواهند کرد. محض اطلاع عرض شد.

الکساندر نومانینس [امضا]

[در حاشیه، آمده است: فوری است، دارة محاسبات کل.]

از این حسن مواظبت مسیو الکساندر جان، اظهار امتنان شود. در باب خرید پانزده هزار خروار برنج، به تجارتخانه نومانینس نوشته شود که بخرد. اعتبار لازم هم، داده شود. ۱۱ میزان [امضا] (۶۳)

گزارش شماره ۱۹

کمیسیون در دربار

روز پنجشنبه (۲۸ محرم) بر حسب تصمیم هیئت دولت، از طرف کابینه ریاست وزوای آقایان ذیل، برای مذاکره در امران دعوت شدند که عصر روز شنبه (اوک صفر) در دربار حضور به هم رسانند:

حاجی امام جمعه خونی، امام جمعه، حاجی میرزا ابوالقاسم، ظهیر الاسلام، آقای سید کمال الدین، آقا میرزا سید محمد بهبهانی، حاجی شیخ مرتضی، آقا میرزا محمد تقی گرکانی، آقا علی نجم آبادی، آقا شیخ عبدالنسی، آقا سید علی آقازدی.

شاهزاده عین الدوله، سردار کل، حاجی مجد الدوله، امجد الدوله، سیهالار اعظم، اقبال الدوله، ظفر السلطنه، حاجی افخم الدوله، حاجی ناصر السلطنه، وثوق الدوله، معین الدوله، سیهدار اعظم، سعید الدوله، علاء الدوله، وزیر دربار، صاحب اختیار، حاجب الدوله، آقای صمصام السلطنه، تدین، آقای مخیر السلطنه، نیر الدوله، نصرت الدوله، بهاء الدوله، معاون الملک، قوام الدوله، علاء الملک، سردار جنگ، سردار بهادر، شهاب الدوله، حاجی امین الضرب، حاجی معین التجار، حاجی ربیع آقا، میرزا محمود

شرکت متفق، حاجی سید محمد صراف، حاجی محمد علی شال فروش، آقا میرزا سید محمد لاریجانی، حاجی میرزا حسن کاشی، حاجی میرزا محمد حسین حریری، حاجی میرزا علی اکبر، پسر حاجی آقا محمد شال فروش.

حاجی محمد تقی بنگذار، حاجی سید محمد ساعت ساز، حاجی سید محمد اسلامبولچی، آقا سید عبدالرحیم کاشی، میرزا حاجی آقا حریری، حاجی میرزا علی صراف، حاجی محمد حسن یار فروش، حاجی شیخ عبدالحسین بلور فروش، صدرایی، حاجی محمد اسمعیل کاشف.

روز گذشته (شنبه اوک صفر) سه به غروب مانده، به دربار حاضر شده، با حضور هیئت وزرای عظام، مجلس عالی منعقد گردید، بدو آقای حاج مخیر السلطنه، شرحی راجع به کمی غله و ارزاق بیان فرموده و عرض هیئت دولت و از دعوت آنان، اظهار دانسته که کمک نظری و جنسی به اهالی تهران بنمایند. مذاکرات و تبادل آراء، تا غروب امتداد یافت. چون نتیجه مذاکرات معلوم نشده بود، پیشنهادی از طرف آقا سید محمد تدین شد که خوب است رئیسی برای مجلس معین شود تا موفق به اخذ نتیجه شوند. به اکثریت آراء، آقای صمصام السلطنه، به ریاست انتخاب و مشغول مذاکرات شدند. سپس مذاکره شد که آیا تعیین

روز گذشته (شنبه اوک صفر) سه به غروب مانده، به دربار حاضر شده، با حضور هیئت وزرای عظام، مجلس عالی منعقد گردید، بدو آقای حاج مخیر السلطنه، شرحی راجع به کمی غله و ارزاق بیان فرموده و عرض هیئت دولت و از دعوت آنان، اظهار دانسته که کمک نظری و جنسی به اهالی تهران بنمایند. مذاکرات و تبادل آراء، تا غروب امتداد یافت. چون نتیجه مذاکرات معلوم نشده بود، پیشنهادی از طرف آقا سید محمد تدین شد که خوب است رئیسی برای مجلس معین شود تا موفق به اخذ نتیجه شوند. به اکثریت آراء، آقای صمصام السلطنه، به ریاست انتخاب و مشغول مذاکرات شدند. سپس مذاکره شد که آیا تعیین





کمیسیون عالی برای تهیه جنس لازم است یا خیر؟ به پیام و فتوای گرفته و تصویب شد.

از طرف رئیس اظهار شد که پنج نفر برای عضویت کمیسیون انتخاب شود. ورقه رای منتشر و از سی و پنج نفر که چهار رای آن امتناع بود. آقایان ذیل انتخاب شدند:

سپهسالار اعظم ۲۱، سعدالدوله ۱۴، آقا علی نجم آبادی ۱۴، سردار بهادر ۱۲، آقا سید عبدالرحیم کاشی ۱۰.

پس از انتخاب، قرار شد رقع دعوت از طرف دولت ارسال گردد و مجلس دو ساعت و بیست دقیقه از سب گذشته، ختم شد. (۶۴)

[گزارش شماره ۲۰]

[اصحابه با مخبر السلطنه، در مورد ارزاق]

مخبر ما، روز گذشته ایکشنبه ۲ صفر با آقای حاجی مخبر السلطنه ملاقات و در خصوص امر نان، سوالات ذیل را از معزای الیه نموده است:

۱. آیا برای اداره کردن امر نان، به هیئت دولت، اختیارات تامی داده اند؟

[جواب] دولت، اختیاراتی به من داده است. ولی به واسطه کمی جنس در مرکز، تاکنون بشرقی نموده است.

۲. از بدو تصدی امور ارزاق، چه اقداماتی فرموده اید؟

[جواب] نهایت جدیت را در تهیه جنس و تامین آتیه ارزاق نموده ام. نصیر شرف رایه خوان، اقتدارالدوله رایه عراق و میرزا مصطفی خان رایه قزوین فرستاده ام که جنس مبارک خوراک اهالی را خریدند و حمل به تهران نمایند. مشارالوزاره، را برای حمل جنس به زنجان فرستاده ام و نازه و اردیه محل مأموریت شده است. عبدالعفی میرزا هم، داوطلبانه برای حمل جنس به قم رفته است. منصورالملک، حاجی میرزا فتح الله خان نیز السلطان و دهخدا نیز، داوطلبانه هر یک، یک قسمت شهر را در تحت مراقبت و مواظبت خود گرفته اند. مشغول تهیه احصائیه هستیم. اصناف، احصائیه فرستاده اند که ۲۰ خروار خوراک آنهاست. نظمی هم، احصائیه ققراران تهیه می کنند. دولت، تصمیم کرده است که برای اصناف و فقرا و مستخدمین دربار دولتی، که حقوق شان از بانزده تومان کمتر است، جنس می دهد که نان را از قرار منی دو قران و دو عباسی یا دو ربان، به موجب بلیط بخرند و بقیه دکان، آزاد باشند، به هر قیمتی گندم تهیه کردند، نان رایه دیگران بفر و شدند.

۳. مقدار جنسی را که در نظر گرفته اید، در تهران و اطراف چقدر است؟

[جواب] عراق دوازده هزار، خمسه، قزوین و ساها جیلاغ بیست و هفت هزار و خوار دوازده هزار خروار گندم است. دولت جدید، کنتراتی مامورانکسندر خان توپانباشی بسته که بیست و چهار هزار خروار برنج ابراع نماید.

۴. چند باب دکان، در تهران مشغول تهیه نان است؟

[جواب] هشتاد باب سنگگی و چهل باب تافتون پزی و فریب پنجاه باب نان خشکه و لواشی و منفرقه پزی است.

۵. مقدار جنسی که می دهید، چقدر است؟

[جواب] بیست دکان فوق، ۲۳۰ خروار است که مقداری را دولت می دهد و بقیه را خود خبازان، تهیه می کنند. به علاوه، دولت، سه تنور در باغ انگوریه، کاروانسرای حاجی ابوالفتح و قیصریه دایر کرده و روزی سی خروار جنس، به آنها می دهد که به شرح ذیل، تقسیم می شود:

فراخانه ۱۲ خروار، نظمی ۱۴ خروار، گارد همایون ۱۶ من، موزیکچان ۸۰ من، مطابع یک خروار، قورخانه ۳۵ من، مریضخانه احدی ۱۷ من، فوج خلیج ذخیره و انبار ۵۰ من، منفرقه هم، مقداری به موجب حواله به اجزای انبار و فقرا داده می شود. سه خروار جنس یومیه برای دربار سلطنتی، یک خروار و پنجاه من برای سفارت روس، سه خروار هم به بر بگاد مرکزی می دهند. روزی پنج خروار برنج نیز، از قرار ۳۵ تومان می دهد که دم پخت تهیه کرده، از قرار منی یک قران و شانزده شاهی، بفر و شدند.

۶. در انبار دولتی، حالیه چه مقدار جنس موجود است؟

[جواب] فعلاً در انبار، مقدار معتابیهی موجود نیست. ولی یومیه از یکصد تا دو بیست و پنجاه خروار، جنس وارد می شود.

۷. در تهران، تقریباً چقدر جنس منفرقه تصور می فرمائید، موجود باشد؟

[جواب] از اونک حمل ناکتون، تقریباً سیصد و ده هزار و یکصد بار گندم و جو، برای منفرقه وارد شده است.

۸. رویه ای که نسبت به محترکین مصمم شده اید، چه خواهد بود؟

[جواب] به موجب قانون شرح و عرف، توقیف و ضبط خواهم کرد.





۹. برای صحت جنسی که از طرف دولت می دهد، تفتیش صحیحی می شود یا خیر؟ زیرا در افواه مردم، مذاکرات زیادی می نمایند که خیابانها، کلیه جنس دولت را، به مصرف نمی رسانند.

[جواب] مامورین دولت، تفتیش می کنند!

۱۰. از دوایر و مامورین دولتی، که مربوط به امر ارزاق هستند، رضایت دارید؟

[جواب] تقاضائی شده ولی چون شامه پیدا نکرده، نمی توانم تحقیقا اظهاری بدارم، از مغتسبین هم، اطمینان کامل ندارم.

۱۱. نظریه عالی، راجع به ارزاق تا سر خرمین چیست؟

[جواب] چنانچه جنس فوق برسد و وقایع تازه ای، اسباب گرفتاری دولت نشود، آذوقه آتیه، به واسطه گندم و برنج تامین می شود.

۱۲. آیا امیدوار به موفقیت خودتان هستید و با چه شرایطی مطمئن می شوید؟

[جواب] چنانچه وسایل حمل و نقل منظم شود، به امید خداوند کاملاً مطمئن هستم.

خاتمه، به موجب اطلاعاتی که از ولایات مرکزی دارید، وضع نان در آنجاها چگونه است؟

[جواب] خمسه، قزوین و عراق، عیب ندارند؛ تهیه جنس برای خود نموده اند؛ زیادی هم دارند که به تهران حمل می شود. (۶۵)

[سند شماره ۶]

آرام شیر و خورشید وزارت داخله، سواد کتکرات برنج یا تجار تخانه تومانیانس، مورخ ۲ قوس ۸۱ صفر [۱۳۳۶]

قرارداد فیما بین وزارت جلیله داخله با تجار تخانه برادران تومانیانس، در خصوص خرید و حمل و نقل ده هزار خروار برنج از مازندران، به قرار مواد ذیل خواهد بود:

۱. تجار تخانه برادران تومانیانس، تعهد می نماید مقدار ده هزار خروار برنج (خروار یکصد من) گرفته رسمی معمولی مازندران و برنج درهم مصطلح اهالی مازندران، چه از محصول املاک تجار تخانه و چه از مالکین و بازارهای آن ولایت، به طور امانی خریداری و از حال تحریر لغایت آخر حوت هذائت نیلان تیل ۱۳۳۶، حمل به تهران نماید.

۲. برنجهای خریداری و یا برنجهای املاک تجار تخانه، باید پیش از آنچه معمولی آن ولایت است، افت و خرده برنج و شلتوک نداشته باشد. برای تشخیص این مطلب، قبلاً تجار تخانه، نمونه ای از آن را در وزارت جلیله داخله حاضر و آنچه نمونه در خروار افت و خرده برنج و شلتوک تشخیص داده شود، تمام مقدار ده هزار خروار، باید از آن فرار محسوب شود.

۳. برنج، که حمل می شود، تماماً در تهران در انبارهای مخصوص تجار تخانه، که قبلاً تهیه شده است، انبار خواهد شد که بر حسب حوائج وزارت جلیله داخله، تحویل و قیمت آن را مطابق قیمتی که وزارت جلیله داخله، معین خواهد فرمود، به هر کس آنچه تحویل می شود، قیمت آن را نقد دریافت می نماید.

۴. مخارج حمل و نقل و مامورین از جمله حقوق اجزای مخصوص این کار و مخارج مخابرات و کرایه انبار و غیره، به عهده وزارت جلیله داخله خواهد بود و تجار تخانه، برداشته و در حساب، صورت خواهد نمود.

۵. هرگاه خدای نخواسته نسبت به برنجهایی که تجار تخانه، برای دولت در تحت نظر مامور وزارت جلیله داخله انبار نموده است، غارت یا حریق واقع شود و یا از طرف اشخاصی، ممانعت در حمل (شود) او یا برنج را ضبط نمایند، تجار تخانه، مسئولیت ندارد و وجه قیمت آن، با مخارجی که از هر جهت به آن مال تعلق گرفته باشد، به عهده دولت است و در هر حمل، هر مقدار برنجی را که انبار می کند، باید صورت آن را به وزارت جلیله داخله، اطلاع بدهد.

۶. هرگاه وزارت جلیله داخله، از این مقدار برنج، مقداری را برنج صدری بخواهند، باید قبلاً به تجار تخانه اطلاع داده و قیمت آن را علیحده معین فرمایند.

۷. در بدو کار و در موقع امضای این کتکرات، وزارت جلیله داخله، مبلغ یکصد هزار تومان به تجار تخانه، اعتبار معین خواهند فرمود که پس از آنکه معادل این وجه، برنج به ضمیمه کرایه آن وارد دارالخلافه نمودند، اهم از اینکه برنج، فروش رفته باشد یا خیر، مجدداً وزارت جلیله داخله، اعتبار را تجدید نموده، یکصد هزار تومان دیگر اعتبار خواهند داد تا به این ترتیب، تمام مقدار برنج، تحویل شود و هر مبلغ از فروش برنج، تجار تخانه دریافت نمایند، از باب اعتبار ثانی محسوب خواهد شد.

۸. هرگاه وزارت جلیله داخله، مقداری از این برنج، که هنوز حمل نشده است، لازم نداشته باشد، باید یک ماه قبل به تجار تخانه اطلاع بدهند که حمل نمایند.





۹. حمل و نقل این برنج، به تصویب وزارت جنبه داخلی به عهده تجار تخانه و اگدار می شود؛ به این معنی که مطابق کرایه روزانه، کرایه تاده و حمل نمایند. کارگزاران وزارت جنبه داخلی، همه نوع همراهی رادو پیشرفت حمل و نقل، چه در محل و چه در راه خواهند فرمود و کلیتاً مساعدت‌های لازمه را مضایقه نخواهند فرمود. سواد مطابق اصل است. [امضا] امیر اکابینه ریاست عالیّه (۶۶)

[سند شماره ۷]

آرم شیر و خورشیداریاست وزراء نموده ۱۵۸۱، به تاریخ ۲۰ برج قوس ۱۳۳۶

وزارت جنبه مایه

در جلسه دوم قوس، مطابق هشتم صفر ۱۳۳۶، کتبرات حمل ده هزار خروار برنج، از مازندران به تهران، که فیما بین وزارت جنبه داخلی و مسیو الکساندرخان، رئیس تجارتخانه تومانیاس در تهران منعقد گردیده، در هیئت وزرای عظام، قرانت و به شرایط مندرجه در کتبرات، مبادله و اجرای آن، تصویب گم دید. آن وزارت جنبه، یکصد هزار تومان قسط اوگ کتبرات و ایرساند و مدلول کتبرات را، که صورت آن، به وزارت مایه فرستاده می شود، از زمان گرفتن بنیه اقساط به تحویل گرفتن برنج، به موقع اجرا بگذارند. نویسنامه، در کابینه ریاست وزراء ضبط است. [امضا] امیر اریاست وزراء [امضا] ادر حاشیه، آمده است. [اداره محاسبات کل] اجرای مدلول حکم صادره و ادر نظر گرفته، صورت فرار داد را هم از کابینه ریاست وزراء و یاوزارت داخله بخواید و نیز، مطابق یادداشتی که قبلاً به آن اداره فرساده شده، تعلیمانی به تجار تخانه تومانیاس، برای دادن صورت یومیه از وارد و صادر برنج، بدهند. ۲۲ قوس [امضا] (۶۷)



[سند شماره ۸]

آرم شیر و خورشیداریاست وزراء نموده ۷۷۲۰، به تاریخ ۲۱ برج حوت ۱۳۳۶

نظر به نادرک آسایش عمومی و فراوانی ارزاق تهران، بر حسب تصویب هیئت دولت، برای تهیه برنج از رشت، مابین وزارت داخله از یک طرف و جناب حاجی محمدباقر تاجر کاشانی از طرف دیگر، به وکالت از جناب حاجی آقارضا زاده، مواد مضمونه ذیل، مقرر گردید و مواد، مزبور بدون هیچگونه تخفیف، واجب الاجراست: ماده اوگ: تاریخ این قرارداد، از روزی است که قسط اوگ مذکور در ماده هفت از طرف دولت پرداخته شود و مدت قرارداد، سه ماه خواهد بود.

ماده دوم: مقدار برنجی که باید در ظرف مدت مذکوره، در ماده فوق در رشت و توابع از آنجا خوانا تقسیم شده و تهیه و در شهر برای حمل به تهران حاضر بشود، چهار هزار خروار به وزن تبریز است. ماده سوم: تعیین رقم جنس برنج، مطابق نرخ روز هر قسم که ارزانتر تمام می شود، به اختیار وزارت مزبوره می باشد. ماده چهارم: خرید برنج برای دولت، به طور امانی خواهد بود. آقای حاجی آقارضا زاده، متعهد است لازمه جذبیت را در ادای مراتب، امانت و صرفه جویی بنماید.

ماده پنجم: تمامی مخارج متعلقه به خرید برنج از حست حمل از بلوک به شهر و حملی و تهیه ظرف و کرایه تیزی، که برنج مزبوره، بعد از خرید در آنجا می ماند، و مخارج تلگرافات، بر عهده دولت است. ماده ششم: آقای حاجی آقارضا زاده، مکلف است مظنه ابتدای هر رقم برنج را توسط آقای حاجی محمدباقر تاجر، به وزارت مزبوره تلگرافاً اطلاع بدهد و در هر موقع نیز، که تغییر مظنه حاصل شود، بلافاصله تلگرافاً وزارت مزبوره را مستحضر نماید.

ماده هشتم: دولت برای مقدمه تصویب، مبلغ بیست هزار تومان نقداً توسط حاج محمدباقر، به آقای حاج آقارضا زاده می پردازد. همین که معادل پانزده هزار تومان آن مبلغ را در رشت، برنج، تحویل کترانچی حمل نماید، مجدداً دولت، معادل



همان مبلغ (پانزده هزار تومان) را به مشارالیه می‌پردازد.

ماده هشتم: آقای حاجی آقارضا زاده، نسبت به هر مقدار خریدی که خریده و به کتراتچی محل تحویل نماید، از قرار خرواری هفت قرآن به عنوان حق العمل محسوب نمود و به استثنای مخارج مذکوره در ماده پنج، بقیه مخارج از قبیل حقوق عملی که برای خرید به بلوک اعزام می‌شوند و حقوق اجزای داخلی و کاغذ و پاکت و امثال آن، برعهده خود حاجی آقارضا زاده می‌باشد.

ماده نهم: در هر موقع که دولت مفتض بداند و اجازه دهد، آقای حاج آقارضا زاده، مکلف و متعهد است به قدر لازم و بدعایت صرفه جویی، وسایل حمل را فراهم آورد و هر مبلغ از بابت پیش‌کرایه و پس‌کرایه لازم گردد، پرداخت آن، برعهده دولت است.

تیسره: در صورتی که مشارالیه، مجاز، رسمی شود، باید یک نفر نماینده از طرف خود، در تهران حاضر و معرفی نماید که بارهای ویژه را تحویل کارگزاران دولت داده و رسید دریافت نماید.

ماده دهم: مقداری که آقای حاج آقارضا زاده، در رشت تحویل کتراتچی محل می‌نماید، باید در رسید دریافت و ارسال به تهران نماید که به توسط نماینده مشارالیه، به وزارت مزبوره، تسلیم و رسید دریافت می‌شود و همان‌سند، به خرج دولت خواهد آمد.

ماده یازدهم: در صورتی که آقای حاج آقارضا زاده، برای دولت تهیه برنج می‌نماید، نباید برای خود یا غیره مستقیم یا غیرمستقیم خرید برنج نماید.

ماده دوازدهم: هر موقع دولت، مصمم شود که دیگر برنج تهیه نشود، از پانزده روز قبل به آقای حاج آقارضا زاده با وکیل او ابلاغ رسمی نمود، در این صورت، هر مقدار تا آن تاریخ تهیه شده و باقرار دادی از آن بابت بسته شاه باشد، متعلق به دولت بوده و آقای حاج آقارضا زاده، مکلف است تمام را در رشت در محل حمل، تحویل کتراتچی نماید.

ماده سیزدهم: در صورتی که اجازه حمل به آقای حاجی آقارضا زاده داده شود، باید آنچه حمل می‌نماید، به موجب بارنامه و [ناخوانا] نامه رسمی دولتی باشد که به مشارالیه سپرده خواهد شد. در این صورت، اجازه نخواهد داشت هیچگونه بازاری را جز برنج دولت، با آن بار نامه حمل نماید.

ماده چهاردهم: با رعایت ماده سیزدهم، هر گونه مخاطراتی که در عرض راه به برنج حادث شود، مسئولیت، برعهده آقای حاج آقارضا زاده نخواهد بود.

ماده پانزدهم: هر گاه در محل خرید، از برنجی که برای دولت خریداری شده و در انبار است، آسیبی به اتیار برنج حادث شود که چاره حفظ آن از حدود اطلاع و قدرت و [ناخوانا] حاج آقارضا زاده خارج بوده، مسئولیتی نخواهد داشت؛ مشروط بر اینکه برای اثبات بی‌نقصیری خود، اسامی مثبت در دست داشته باشد و در دفتر خریداری حاج آقارضا زاده، قبلاً خرید آن ثبت شده شد.

ماده شانزدهم: آقای حاج آقارضا زاده می‌تواند چهار هزار خروار را و در از سه ماه خریداری نماید، ولی به هیچ وجه نباید از آن مدت تجاوز نماید.

ماده: قرارداد حاضر [ناخوانا] آن نوشته شده و هر یک نسخه، نزد دیگر طرف ضبط خواهد شد.
[امضا و مهر ناخوانا] صحیح است. اقل حاج محمد آقاسید علی [مهر] محمد باقر (۶۸)

[سند شماره ۹]

بهمن بهرام پارسى، شعبه راه شوسه انزلی، تهران و قزوین، همدان، ضمه ۱۳۲۹
تاریخ ۱۹ برج حوت ۱۲۹۶

این بنده، بهمن بهرام، مقدار چهار هزار خروار برنج از رشت حمل کرده و به مدت سه ماه، به انبار دولتی تحویل می‌نمایم. کرایه، از قرار خرواری ۲۹ تومان دریافت می‌شود. طرف حمل برنج کتیه [ناخوانا] دولت خواهد بود. شرایط جزئی به تصویر و صلاح حدید طرفین، به موجب کتراتت جداگانه، منعقد خواهد گردید. اعتبار این ورهه، الی سه روز است.

اقل بهمن بهرام [امضا] (۶۹)



[سند شماره ۱۰]

چهار هزار خروار برنج، از رشت به تهران مال دولت علیّه ایران حمل می‌نمایم به مدت سه ماه از تاریخ کنترات و شرایط محل و کرایه، از قرار ذیل است:

۱. کرایه هر یک سه من تبریز، از قرار خرواری سی و پنج تومان.
 ۲. ظرف و اناخوانا به عهده دولت خواهد بود.
 ۳. عدل‌هایی که در رشت تحویل داده خواهد شد، باید تمام سر به مهر و وزن هر عدلی، در روی کیسه‌ها نوشته شود.
 ۴. در صورتی که درست بودن مهر روی کیسه‌ها، به واسطه مرطوبی هوای رشت از برای هر کیسه دولت باید یک من تبریز ملاحظه فرماید. اگر کیسه‌ها پاره شده باشد، کسری آنها، به عهده این جانب خواهد بود.
 ۵. باج راه نیاب و ذهاب به عهده دولت علیّه خواهد بود.
 ۶. از برای هر کاری پنج عدد جونس از طرف دولت داده شود که هر گاه در بین راه، کیسه‌ها پارگی پیدا نماید، عوض شود.
 ۷. کلیه کرایه چهار هزار خروار برنج، در شش قسط، که هر پانزده روزی یک قسط باشد، دریافت خواهد شد.
 ۸. هر گاه کاریها، بیش از یک روز برای ورود به رشت معطل شود، از بابت نرسیدن بار، دولت باید از عهده مخارج آنها برآید.
- توضیح آنکه هر گاه تنگی برای مردم دست بدهد، این جانب حاضریم که مدت دو ماه و نیم تمام برنج را وارد نمایم. میرحسوز بوسف [مهر ۷۰]

[سند شماره ۱۱]

آرام شیر و خورشید، وزارت مالیه، کابینه وزیر، نمره ۸۹۷، به تاریخ ۱۰ شهر حمل ۱۳۳۶

قرارداد حمل چهار هزار خروار برنج از رشت به تهران که بین وزارت مالیه و آقای حاج محمد رضا تاجر و شنی، معروف به رضوی، تبعه دولت علیّه ایران، موافق مواذ ذیل مقرر گردیده است:

ماده اول: آقای حاج محمد رضا، به فید التزام تعهد می‌نماید که از تاریخ اوگ حمل ۱۳۳۶ [ق.الی سه ماه، مقدار چهار هزار خروار برنج به وزن تبریز، از رشت به تهران حمل و تحویل نماید.

نیمسره: میزان حمل ماهیانه به شرح ذیل است. ولی هر گاه برنج، حاضر باشد، باید سعی نماید که زودتر از سه ماه، حمل و تحویل دهد.

ماه اوگ ۱۳۰۰ خروار، ماه دوم ۱۳۰۰ خروار، ماه سوم ۱۴۰۰ خروار، [جمع] ۴۰۰ خروار.

ماده دوم: کرایه حمل برنج از رشت به تهران، از قرار خرواری بیست و شش تومان قطع شده است.

ماده سوم: از بابت پستی کرایه برنج، نه هزار تومان در بدو امر و نه هزار تومان پس از تحویل دادن یک هزار و سیصد خروار و ده هزار تومان بعد از تحویل شدن دو هزار و شش صد خروار، که میزان دو ماه باشد، باید به آقای حاج محمد رضا تحویل شود. ولی هر مقداری که حمل و در تهران تحویل می‌شود، باید خرواری هفت تومان از بابت وجوه مساعده فوق، کسر و بقیه به سئاریه، تحویل گردد.

ماده چهارم: برنج محموله، باید با کیسه و جوال بی عیب حمل شود. در صورتی که این رعایت نشده و برنج تلف گردد، کسری، تماماً بر عهده آقای حاج محمد رضا خواهد بود.

ماده پنجم: حاج محمد رضا، منهد است هر رقم برنجی را که در رشت تحویل می‌گیرد، بدون تغییر و دست خوردگی، عین آن را تحویل دهد و در صورت مخالفت، تفاوت قیمت را باید بدون عذر، کارسازی دارد.

ماده ششم: در هر نوبت، هر مقدار برنج که تحویل می‌شود، باید یک کیسه نمونه آن مهور به مهر و لاک تحویل دهنده، که با حضور نماینده آقای حاج محمد رضا، مهر و لاک خواهد شد. همراه بیاورند که آن نمونه، رقم جنس برنج را بشناساند.

ماده هفتم: هر مقدار برنج، که در راه تلف و حیض و میل شود، بر عهده کنتراتیجی است که معادل آن را، عین همان رقم تحویل دهد.

ماده هشتم: آقای رضا زاده، نماینده آقای حاج محمد باقر یادگیری، که تحویل دهنده برنج است، باید همیشه پنج روز قبل کتابه کنتراتیجی اطلاع دهد که بعد از پنج روز، چه مقدار برنج برای حمل تحویل خواهد داد. چنانچه در موعد مقرر تحویل نشد، و از پنج روز هم تجاوز نمود، در صورتی که وسایل حمل کنتراتیجی موجود باشد، هر چند روزی که از پنج روز





ثانی بگذرد، در هر روزی، خرواری یک تومان به اندازه بارگیر، باید به کترانجی پرداخت شود؛ ولی مشروط بر این است که کترانجی، وسایل حمل موجود خود را، کتابه اداره مایه محل اطلاع داده و از اداره مزبور، عده مال حاضره و مدت معطلی بعد از پنج روز را، تحصیل تصدیق نماید.

ماده نهم: در هر موقع که دولت، از حمل، منصرف گردد، باید ده روز قبل رسماً به آقای حاج محمدرضا اطلاع بدهند که اگر وسایل حمل موجود داشته باشد، به کار دیگری مشغول دارد، چنانچه این رعایت شود و در صورت حاضر بودن وسیله حمل، خسارتی به کترانجی متوجه آید، جبران آن بر عهده دولت خواهد بود، ولی در صورتی که وسایل حاضره حمل برای دیگران بارگیری نمایند، هیچ گونه تعمینی به وزارت مالیه نخواهد بود.

ماده دهم: هر گاه حاج محمدرضا، برخلاف مقررات این قرارداد، رفتار و برنج را در مواقع مقرر در تهران تحویل ندهد، نسبت به هر مقداری که به عهده تاخیر مانده، از قرار هر خرواری یک تومان در هر روز، باید بدون عذر تادیب نماید.

ماده یازدهم: در صورتی که برنج تحویلی در دست یادر راه، دچار غارت و سرقت شود، که حفظ و دفاع آن را، مأمور حمل، قادر نبوده، و معلوم شود که از غفلت او یا ناخوانا نشده است، و برای ثبوت اظهار خود اسناد مثبته صحیحه ارائه دهد، البته مسئولیتی نخواهد داشت. ولی در صورتی که بلافاصله وزارت مالیه را از وقوع حادثه آگاه کرده و ضمناً مقدار برنج [ناخوانا] نیز، در دفتر نماینده کترانجی در دست، ثبت شده باشد.

ماده دوازدهم: هر گاه در رشت یادر عرض راه، موانع سیاسی و معظوراتی، که رفع آن، بسهولت ممکن نگردد، رخ بدهد که حمل برنج، مقدور نباشد، البته طرفین از مسئولیت و التزامات مقرر، بری بوده و فقط آنچه حمل شده است، احتساب گشته و هر مبلغی که وجه نزد آقای حاج محمدرضا، مسا باشد، باید بدون عذر به صندوق دولت تسلیم دارد.

ماده سیزدهم: وجهی که ببنده رشت، به عنوان اعثه و غیره از برنجهای تجارانی دریافت می دارد، بر عهده وزارت مالیه است که اخذ آن راه، رجوع به این چهار هزار خروار دفع نماید.

ماده چهاردهم: حملاتی برنج و کیسه زنی در موقع تحویل دادن به نماینده کترانجی، یعنی برنجی که بدون کیسه تحویل کترانجی می شود، بر عهده وزارت مالیه است و موافق قبوض کترانجی، که کیسه دار و بی کیسه باید در آن ذکر گردد، محسوب خواهد شد. حملاتی انبار تهران نیز، به عهده کترانجی خواهد بود.

ماده پانزدهم: تهیه تیس از نور کهنه، که حتی الامکان باید کیسه کهنه محکم خریداری شود به اندازه لزوم، به امانت آقای حاج محمدرضا، اگذار می شود که موافق صرفه دولت، خرید و قیمت آن را دریافت دارد، ولی پس از ختم امر، باید تیس خریداری را اعم از سالم و باره، تماماً تحویل نماید.

تیسره: چون قسمتی از برنج با کیسه به کترانجی تحویل می شود، لازم است کترانجی، در قبض رسید برنج، کیسه را ذکر نماید تا در موقع رسیدگی به حساب، تیس آن معلوم باشد.

ماده شانزدهم: برنجی که کترانجی با کیسه تحویل می گیرد، مکلف است که در بی عیب بودن آن، دقت نماید و ماده چهارم را در نظر داشته باشد.

ماده هفدهم: این قرارداد، نسخه آن نوشته و امضا شده و هر نسخه، نزدیک طرف ضبط می شود. [در حساب، آمده است، وزارت جلیله مالیه، این قرارداد را به موقع اجرا گذارد. (امضای ناخوانا)]

حاج محمدرضا، شنبه دهم ۲ [جمادی الثانی ۱۳۳۶ ق. ۱]

ضمیمه ماده اول

مدیر مزبور، به قید التزام به عهده می نماید که از تاریخ اوک برنج حمل ۱۲۹۷ الی چهارماده، به فرار چهار هزار خروار برنج به وزن تبریز، از رشت به تهران حمل و تحویل نماید. هر گاه در آخر هر برجی به هر فرار کمتر از هزار خروار تحویل دهد، خرواری یک تومان مدیر مزبور، باید مجاباً بدهد و همین طور بارگیری از قبیل شن و گاری و غیره، که در محل بار در رشت حاضر می شود، علاوه بر سه روز که یک روز برای ورود و یک روز برای بارگیری و یک روز برای خروج بیشتر معطل نشود، هر گاه علاوه بر این سه روز، متصدیان دولت، که در رشت، برنج تحویل می دهند، هر قدر مکاری آنجا معطل شده، هر روزی خرواری یک تومان از طرف دولت باید به مدیر کترانجی مرحمت شود که به مکاری داده تا خسارت مخارج بار، دامنگیر مکاری نشود؛ مشروط بر اینکه روز ورود، هر دسته با ناخوانا وارد رشت می شود، کتابه نماینده مدیر کترانجی، به اداره مالیه یا نماینده ای که در رشت هست، اخطار نماید.

پنج ... از رشت به تهران به عهده دولت خواهد بود، در قزوقین نارشت، هر گاه جهت نماینده کترانجی، زاندامری در موقع لزوم محتاج شود، باید دولت با مشارالیه مساعدت نماید و یومیه زحمتی نگردد و کرایه برنج، که از رشت بمرور حمل می شود، بعد از وضع خرواری پنج تومان پیش کرایه، نصف در رشت و نصف در تهران پس از تحویل دادن بار، بدهند. (۷۸)



شرح	مقدار		مبلغ
	من	خروار سیدمه	
- از مازندران خریداری شده، کلیتاً از قرار خرواری ۳۲۱/۲۵ قران	-	۲۰۰	۶۴۲۵۰۰
- کرایه نهصد و پنجاه خروار و هشتاد و چهارمین و نیم از مازندران به تهران که تا به حال وارد تهران شده است	-	-	۲۷۴۸۳۹
- کرایه یک هزار و نود و چهار خروار و پانصد من و نیم که بین راه و در مازندران موجود است و متدرجاً خواهد رسید. هالی التخمین	-	-	۳۵۰۱۲۹
- مخارج از قبیل مواجب اجزا و قیمت گونی خریداری [شده] و مخارج متفرقه، علی التخمین	-	-	۳۰۰۰۰
جمع کل	-	۲۰۰۰	۱۲۹۷۲۶۹
حسب الامر حضرت اشرف آقای حاج مخبر السلطنه و کمیسیون محترم ارزاق، به دمیخت پزها و جناب آقای آقامیرزا محمود اصفهانی، تحویل داده شده و قیمت آن، از فرار سی و پنج تومان دریافت گردیده است.	۵۸۰	۴۱۰	۱۴۳۷۰۳
باقی طلب تجار تخانه	-	-	۱۱۵۳۷۶۶



صادری			ولردی		
شرح	مقدار		شرح	مقدار	
	من	خروار		من	خروار
از ابتدا الی تاریخ هشتم ربيع الاول ۱۳۳۶، در وجه دمیخت پزها پرواخته شده و صورت ریز آن، عنجهتاً تقدیم شده	-	۳۶۷	از ابتدا الی تاریخ هشتم ربيع الاول ۱۳۳۶، وارد قنبار شده است	۲۰	۹۰۵
در وجه جناب آقای آقامیرزا محمود اصفهانی	-	۹۸			
در وجه کمیسیون خبریه برای دارالمساکین	-	۲۰			
در وجه اداره محترمه قزاقخانه	-	۴			
موجودی قنبار، الی تاریخ هشتم شهر ربيع الاول ۱۳۳۶	۲۰	۴۸۹			
	۸۴	۴۱۶			
	۲۰	۹۰۵			

گزارش شماره ۲۱

مصاحبه با الکساندر تومانیانس، راجع به خریداری پونج

مخبر مخصوص ما، روز گذشته بعد از ظهر [چهارشنبه ۵ صفر ۱۹۱۱] با مسیو الکساندر خان، مدیر محترم تجار تخانه تومانیانس ملاقات و سنوالات ذیل را نموده است:





۱. آیا دولت، خریداری برنج را از جناب عالی تقاضا نموده‌اند و مقداری که مقرر شده که اتیاع بکنید، چقدر است؟
[جواب]: بلی، مقدار ده هزار خروار برنج کرده و صدری، به طریق امانت خری.
۲. آیا قراردادی، فیما بین ردویدل شده است؟
[جواب]: تاکنون قراردادی ردویدل نشده، امنب محتمل است قرارداد نوشته و ردویدل شود.
۳. این مقدار جنس را، تا چه مدت وارد تهران می‌کنید؟
[جواب]: به مرور تا شب عید.
۴. برای حمل و نقل، اقداماتی در نظر گرفته‌اید؟
[جواب]: بلی، اقداماتی شده و چندان اشکالی در بین نیست.
۵. آیا از سابق هم خودتان، برنج خریداری نموده‌اید؟
[جواب]: بلی، چون عسرت اهالی را شخصاً حس کردم، مقداری برنج خریداری کردم که پانصد خروار آن وارد شده و بقیه، به مرور می‌رسد.
۶. برنج را، به چه قیمت اتیاع نموده‌اید؟
[جواب]: آنچه تاکنون وارد شده، با کرایه، خرواری چهل و پنج تومان تمام شده است.
۷. این ده هزار خروار را، از چه نقطه خریداری می‌کنید؟
[جواب]: عملاً تا این ده هزار خروار را، از مازندران تهیه می‌کنم. برای خریداری برنج از گیلان، اشکالات و موانعی است که اکنون موفق به خریداری از آنجا نمی‌توانم بشوم. ولی امیدوارم پس از رفع مشکلات، ده هزار خروار دیگر هم، از طریق گیلان تهیه کنم. (۷۳)

[گزارش شماره ۲۲]

دمپخت

برحسب پیشنهاد آقای حاج مخیر السلفنه و تصویب هیئت وزراء مقرر شده، روزی تا مقدار سی خروار برنج درشش نقطه شهر، دمپخت تهیه شود. برای هر یک خروار برنج، بیست و پنج من گوشت و بیست و پنج من باقلا مصرف شود و دمپخت، به مدیریت آقای رزاق محمود، مدیر شرکت متفقه، به مصرف فقرا برسد. از روز گذشته، بیست خروار برنج برای دمپخت داده شده، نان آزاد باشد که به هر قیمتی که برای خیابان تمام می‌شود، بفروشد و دولت، چندان ضرری نکند، جز ضرر قیمت برنج. صد هزار بلیطی که برای فقرا تهیه شده بود، قسمتی برای نان داده شده و بقیه بلیطها را هم، به اشخاصی که دمپخت می‌خرند، می‌دهند که در تقسیم آن تقلب نشود.

از روز گذشته چند دکان خیابانی، که از دولت جنس می‌گیرند، نان را چهار قران و دو عباسی فروخته‌اند. ولی معلوم نیست دولت، برای خیابانهای متفرقه، که نان را به قیمت خیلی گزاف می‌فروشند، چه تدبیری اندیشیده.

چند روز است اعضای کمیسیون اوزاق، حاضر نمی‌شوند. علت، غیر معلوم است. عصر روز گذشته، کمیسیون دارالمساکین، در دارالحکومه منعقد و مشغول تهیه نظامنامه و ظایف مدیر و اعضا بودند.

عده‌ای که تاکنون از طرف کمیسیون مرکزی خیریه به دارالمساکین جلب شده، متجاوز از سیصد نفر است.

تعمیر حمام دارالعجزه، تمام شده است.

آقایان ذیل اعانه تقبل نموده‌اند که هر ماه، برای مصرف فقرا بپردازند:

آقای سهدار اعظم دویست تومان و آقای سردار محتشم دویست تومان نقد پرداخته‌اند. آقای مستوفی المعالک صد تومان، آقای حاجی معین بوشهری پنجاه تومان تا هفت ماه، به علاوه حاجی معین، پانصد تومان برای مصارف ریضخانه تقبل فرموده‌اند. (۷۴)



گزارش شماره ۲۳

وضعیت ارزاق تهران

برحسب پیشنهاد وزارت مالبه و تصویب هیئت وزراء، روز شنبه گذشته (۲۲ صفر) جنسی که به وزا و تخانه ها، سفار تخانه ها، خیاباز و غیره داده می شود، از فرار خرواری شصت تومان محسوب خواهد شد. سه شعبه که هر روزی سی خروار نان پخت می کردند، از فردا منحل و تمام دقاکین، شروع به پخت نان گندم نموده که بدون استنا از قواریک من چهار قران و سه عباسی بفروشند. فقط دولت، ضرر برنج را برای رفاهیت فقرا می دهد.

دمپخت دولتی

از روز شنبه (۲۵ صفر) در نقاط ذیل، شروع به پخت نموده اند:

محل	تقدیر جزء
غرب مسجد شاه	آقا میرزا حسن
پایتاز	آقا سید مصطفی
میدان محمدیه	حاجی سید صراف
سرچشمه	آقا محمد ابراهیم
میدان مال فروشها	حاج محمد حسین شال فروش

همه این اشخاص، داوطلبانه و مجاناً برای خدمت به عموم، این شغل را متقبل شده اند. مدیر کل آقا میرزا محمود، شرکت متفق است.

روزی دوازده خروار برنج پخت شده و به فراری که تحقیق شده، دولت، حداکثر بخت را روزی بیست و چهار خروار معین فرموده.

باز یک خروار برنج، ۲۵ من گوشت، ۱۵ من باقلا، ۲۰ مثقال زعفران، ۳۰ مثقال زردچوبه، ده سیر دارچین، ۲۰ من پیاز، ۵ من نمک مخلوط می شود.

شش عدد تابلو برای شش شعبه تهیه شده، در شعبات، از قرار منی هفت عباسی، به دوره گردها می فروشند که آنها از فرار یک من هست عباسی به مردم بفروشند. به تمام دمپختها، نشان مخصوص داده خواهد شد.

درود جنس

در این دو سه روزه، روزی تا سیصد خروار جنس وارد شده، به فراری که تحقیق شده، عالی دولت، هزار خروار جنس در اتبار موجود دارد.

جنس عراق

نظر به رایورنی که سابقاً آقای اقتدارالدوله به هیئت وزراء داده بوده است، ملاکین، تغیل نموده اند شش هزار خروار جنس بدهند؛ چهار هزار و پانصد خروار هم از بابت مالیات می توانند حاضر کنند. از طرف دولت، تعلیمات داده شد که باید ملاکین پنجهزار خروار دیگر در این موقع مساعدت نمایند. دولت نیز، خرواری یکی، دو تومان اضافه بر قیمت به آنها خواهد پرداخت. وزارت مالبه، معادل یکصد و سی هزار تومان در مالیه عراق تهیه نموده که برای خرید و حمل جنس، صرف شود. (۷۵)

گزارش شماره ۲۴

برنج و گندم

برنج و گندمی که دولت (در تهران) می دهد، به قرار ذیل است:
۱. از اول قوس، برای مصرف دارالمساکین در هر ماه مجانی؛
برنج هفت خروار، گندم هفت خروار، جو هفت خروار.
۲. از اول میزان، به وزارت جنگ باری مصرف بریگاد و نظام؛
گندم روزی شش خروار به قیمت شصت تومان.
۳. از ۲۵ قوس بریگاد قران یومیته.



گندم چهار خروار و پنجاه من از قرار شصت تومان، برنج یک خروار،
۴. اداره نظمیة یومیة:

گندم چهار خروار و شصت من، برنج یک خروار، گندم برای محبوسین ۹۰ من،
۵. مضرقة:

برای فقراء به آمریکائیا، ماهی سه خروار برنج مجانی.

کلیعیها، گندم یک خروار از قرار شصت تومان.

۶. معادل هزار تومان به آقامیرزا محمود متفقه، اختیار داده شده که برنج، از اداره محترم نوماتیانس برای مصرف دمبخت شش باب دکان، همه روزه دریافت و قیمت را روز بعد پیردازد. (۷۶)

[گزارش شماره ۲۵]

از وزارت جلیله مالیه

برای ترتیب و حسن جریان طبع دمبخت دولتی، وزارت مالیه، از تاریخ ذیل، مواد پنجگانه را مقرر می دارد:
ماده اول: در هر یک خروار برنج هشت من روغن، ده من حبوبات، ده من بلغور، یک من زردچوبه و ده من پیاز و پنج من نمک، باید مخلوط شود.

ماده دوم: در نه محل ذیل، شعبه دمبخت پزی دولتی دایر می باشد:

پای قاپق، جمال میدان، سرچشمه، حسن آباد، بازارچه نایب السلطنه، دروازه قزوین، مسجدشاه، پانچنار، صابون پرخانه.

ماده سوم: همه روزه در هر شعبه، سه مرتبه و هر مرتبه یک خروار برنج طبخ می شود. یک مرتبه، شش ساعت قبل از ظهر، یک مرتبه، دو ساعت قبل از ظهر، یک مرتبه، چهار ساعت بعد از ظهر.

ماده چهارم: از انتشار این اعلان، فروش دمبخت بکلی آزاد بوده و تمام نواحی دمبخت فروشی منحل می شود. کلیه شعبات، مکلف هستند دمبخت را از هر قرار هر یک منی، بکھزار و نهصد دینار به خریداران دوره گرد، فروخته و فروشنندگان مزبور، باید هر منی دو قران یعنی چهار یکی ده شاهی بدون کسریه فروش برسانند.

ماده پنجم: از انتشار این اعلان، عموم اهالی شهردار الخلافه، حق تقنیش و نظارت در عمل دمبخت پزی را داشته و می توانند کاملاً مراقبت نمایند که در هر یک خروار برنج، اجناس مذکور در ماده اول و اجناس صحیح بی عیب مخلوط شده و در ساعات معینہ در ماده سوم طبخ شود. به علاوه، خریداران دمبخت، باید مواظبت نمایند که کم فروش نشده و هر موقع فروشنندگان، کم فروشی نمایند، فوراً مراتب را به آزان پست اطلاع دهند تا مرتکب، تعقیب و مجازات شود و نیز، از دوایر مختلفه وزارت مالیه، به توبه هر روز یک نفر در هر شعبه، مامور تقنیش دمبخت پزی بوده و مواظبت خواهند کرد که به نسبت معینہ در ماده اول، اجناس صحیح کار کرده و دمبخت طبخ شود.

۸. برج نوریونت نیل ۱۲۹۷، وزارت مالیه (۷۷)

[گزارش شماره ۲۶]

امجمع خیریه تهران

برای آسایش فقرا

تا کمال مسرت، اطلاع حاصل کرده ایم که هبیتی از نوع برستان، برای تهیه مریجات آسایش فقرا، مجمعی به نام مجمع خیریه تهران تاسیس و بدین وسیله، احساسات انسانیت پرورانه خود را نسبت به فقرا و بیچارگانی که فسادت قلب هم وطنانسان، کل وسایل استراحت را از آنان سلب نموده و حتی از عادی ترین ضروریات زندگانی محرومشان داشته، عملاً ظاهر و رضایت خواطر خدا و خلق را فراهم آورده اند. (۷۸)





[گزارش شماره ۲۷]

[ادار المساکین هیئت متحدہ خمسہ مقیم تهران]

آقای مدیر محترم جریده فریده رعد!

چون در تحت توجّه حضرت ولی عصر، ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه، آقایان و اهالی خمسہ مقیمین تهران، لزوم اتحاد و اتفاق را احساس نموده، انعقاد جلسات و اجتماع عمومی در شهر ذی حجه ۱۳۳۵ ق.، اموفق به این نیت مقدّس شده، یک هیئت نه نفری از میان خودشان به اکثریت انتخاب نمودند. اوکین اقدامی که این عضو عامله به کمک و اعانت آقایان زنجان نموده، تاسیس یک باب دار المساکین است که در جنب بازار پنه حاجی آقا محسن، که سابقاً مدرسه جوادیه بود، نموده که فعلاً پنجاه نفر از فقرای بی دست و پا را، از اوّل شهر جاری اربع الاول ۱۳۳۶ ق.، ادر آنجا پذیرفته و با نهایت دقت، از آنها مواظبت و پذیرائی می شود و برای هر کسی که بخواهد به رای العین مشاهده نماید، ممکن است که به محل مزبور، رجوع فرماید.

تقاضای درج این ویژه راه، در گرامینامه خود، می نمایم.

هیئت متحدہ خمسہ مقیم تهران (۲۷)

[گزارش شماره ۲۸]

[برای فقرا]

عصر جمعه [۱۸ ربیع الثانی]

بر حسب دعوتی که قبلاً از طرف آقای صاحبام السلطنه شده بود، عدّه ای از محترمین، در مسجد سیهسالار حضور به هم رسانیدند. بیانات مفصّلی از طرف وارذین، در خصوص لزوم همراهی با فقر اظهار و حاضرین، هر یک مبلغی متعهد شدند که ماهانه بپردازند. در آن جلسه، پکهزار تومان تقدیمه شد. ولی برای تهیه اساس، پس از تبادل افکار، پیشنهاد ذیل را حاضر نمودند که به هیئت وزو تقدیم شود:

۱. مجلسی از صلحای محلات، در دارالحکومه تشکیل شود که اغنیاء و فقرای محلات را تعیین نمایند که هر کس مساعدتی در این امر خیر بنماید.

۲. اشخاصی که بدون تقبّل خدمت، اضافه از سبصد تومان حقوق دولتی دارند، سه ماه حقوقشان را برای کمسیون شیرته تخصیص دهند.

۳. تشکیل بلدیة قانونی، که ترتیبی برای اجناس قرار دهد، که به اهالی، تعدّی و اجحاف وارد نشود. (۸۰)

[گزارش شماره ۲۹]

[در تهران]

کمسیون خیریه، در دارالحکومه منعقد و تا اوایل شب مشغول مذاکره بودند. به قراری که تحقیق شده، عدّه فقرائی که قبول شده اند، تا امروزه هزار و دویست نفر رسیده و در صدد تهیه مکان برای هزار نفر دیگر می باشند.

از طرف حکومت، برای فقرا، مساجد ذیل معین شده است:

مسجد سراج الملک، چراغ برق، مسجد کوجه خراسانیه، ناصریه، مسجد سپهدار، محله عربها، مسجد همت آباد، حسن آباد، مسجد شاه آباد، شاه آباد، مسجدها، بخاری گرم شده، شام و نهار، هم دمبخت، به فقرا داده می شود.

از طرف حکومت، به وزارت داخله پیشنهاد شد برای فقرائی که قدرت ندارند، یک محلی معین شود که مصرف کفن و دفن اموات فقرا بشود. به تمام غسلها ابلاغ شد که جنازه فقرا کفن و دفن بنمایند و مخارج آنها، پرداخته خواهد شد.

از طرف آقای مشیرالدوله، پانصد تومان برای مصارف فقرا، به کمسیون خیریه تأذیه شد. (۸۱)



لزوم اهتمام برای ارزاق عمومی

قضیه آذوقه و ارزاق عمومی، یکی از عمده ترین قضایائی است که بدون شبهه، مداخلت شایانی در جریان سیاست مملکت ما خواهد داشت.

قابل انکار و استنار نیست که نه تنها غلات و حبوبات، بلکه سایر مایحتاج عمومی، از صدر تا ذیل کمابش شده، ترقی کرده و اهالی مملکت، در اغنی از نقاط، دچار اندیشه واضطراب گردیده اند. شک نیست که یک قسمت از عسرت و کمیابی ارزاق، به واسطه خشکسالی و قسمت دیگر، به واسطه انتقال جنگ به داخله ایران و خرابی دهات و پراکنده شدن رعایاست. ولی اگر قدری غور و تعمق در این موضوع شود، کاملاً منهود می گردد که یکی از عمده ترین علل آن، احتکار ارزاق است که از چندین طریق، این عمل نامشروع، پیوسته کسب شدت می کند.

این نکته را ضمناً نباید ناگفته گذارد که از ابتدای بهار، همین که خشکسالی و احتمال عسرت در سرخرمن احساس شد، می بایستی بلافاصله از روی مأل اندیشی درصدد برآمد که به وسایل مختلفه از قبیل تهیه اجناس و تحت نظارت قرار دادن محصولات فرا و قصبیات، یک تدارک کافی برای هذه السنه به عمل آمده باشد. این مسئله، صورت نیافت و ترقی دائم التزاید قیمت ارزاق باعث دوپشامد گشت. یکی آنکه مالکین، در سرخرمن گرماگرم، غلات خود را جمع آوری و در انبارها و نقاط مخصوصه انبار نموده، به هیچ وجه برای فروش حاضر نشدند.

دوم آنکه یک قسمت از سرمایه داران و تجار، که به واسطه بحران تجارت داخلی و خارجی، کم و بیش پول بیکاری داشتند، برای خرید گندم و جو و سایر اشیای مایحتاج عمومی، حاضر کرده و در شهر و دهات، به فوریت مشغول خرید غلات گردیدند.

این قضیه، مانع از آن گشت که مردم یا دولت، بتوانند مناسب با احتیاجات اهالی، گندمی تدارک نمایند و اجاره املاک خالصجات و مالیاتهای جنسی هم کفایت نمی کرد.

به هر حال، با تصدیق به کم بودن غله و خشکسالی، باید دانست که یک قسمت عمده عسرت کنونی، مصنوعی است و چنانچه هیئت دولت، با یک نوع جدیت شایانی درصدد حل آن بر نیاید، در زمستان آینده و بهار، با مشکلات فوق العاده خطرناکی مواجه خواهند نمود.

اقدامات کوچک، عملیات محدود و صورت نوشن، که فلان مقدار گندم و بونج از فلان نقطه تدارک خواهیم کرد، کفایت نمی کند و گندم انبار و خالصجات دولتی، برای تهران تا مدت مدیدی کافی نبوده و به علاوه، برای سایر نقاط، عاجزی باید اندیشید.

به عقیده ما، به فوریت یک تصمیم خیلی سختی برای منع احتکار باید از جانب دولت، اتخاذ گردد. تصور نمی رود که یک قانونی فعلاً یافت گردد که افکار عامه، تا این درجه خواهان و طرفدار اجرای آن باشد و پشتیبانی ملت، بهترین وسیله پیشرفت منع احتکار است. برادر این موضوع مخصوص، تمام مردم، مجاناً کارکن و مفتش دولت و اداره ارزاق خواهند بود. کلیه ملت، خود را معاضد هیئت دولت برای اجرای این قانون، معرفی خواهند کرد.

به عقیده مطلعین، آذوقه، به قدر کفایت ناسال دیگر در ولایات ایران موجود است تا بیش از این محتکرین، غلات را پنهان نکرده، تازه بر این، مشکلات، ما را احاطه ننموده، دولت، به فوریت باید داخل اقدامات جدی تر شود. (۸۲)

[گزارش شماره ۳۰]

سختی آذوقه در ارومیه

موتقی، از ارومیه می نویسد:

حقیقتاً اوضاع ارومیه، به نحوی است که انسان، از دیدنش خون می گیرد. گرانی و قحطی، به درجه ای رسیده که دو ماه دیگر، باید اهالی، دست از اهل و عیال کشیده و به بیابانها و سایر نقاط مهاجرت کنند. یک من گندم از اطراف وارد نمی شود. محال است، کلیه دیران، دهات تماماً خرابه، کمیسیون آذوقه بعد از زحمت به توسط مفتش و مفتشه ها ده ققیز، ده ققیز از خانه ها و از جاهها گندم بیرون آورده، روزی هشتاد ققیز، گندم به خیابانها می دهند. جلوه دکاکین، قیامت است. این طرف گندم دادن هم نادر ماه ممکن است تهیه کرد. بعد از آن، ملاحظه فرمائید چه خواهد شد؟ به غیر از نفوس شهر و غیر از مهاجرین دهات





جلوها اکراد. که از اطراف به شهر هجوم آورده اند. دهات هم تماماً گرسنه و بی آذوقه مانده اند. حکومت، سرگردان مانده، نمی داند چه کند. جلوها و آرامنه و سادات، هر چه دلشان بخواهد می کنند. حکومت، نه پول دارد و نه قوه که جلوگیری کند. وعده هائی هم که دولت به حکمران داده بود، تماماً بی اصل و باین ترتیب هیچکس، نمی تواند حکومت بنماید. حکمران، نهار و شام خود را تخفیف داده، بقیه را مالیت حقوق و ده یک دیوانی هر چه عاید شود به فقرا و گرسنه های دهد. (۸۳)

[گزارش شماره ۳۱]

وضعیت ارزاق در سراب

تلگرافات داخله، ۳ فورس

سراب: امروزیکی از بیحدی، دو حیاط کمسیون از گرسنگی مرد، بیعذیبها، به صدای بلند یا الله می کشند و هیچانی نمودند و جنازه را به تلگرافخانه آوردند و فریاد می کردند. از طرف کمسیون، میرزا محمدتقی آقا، آمده با نطقهای مؤثر از تلگرافخانه خارج و به کمسیون بردند. با اینکه عارضین زیادی با این قضی نان به فصبه ریخته و به کار هم خوب رسیدگی می شود. اینها بی صبری و باعث اغتشاش می شود.

عظیم نام برای اینکه از حاجی ستار جو حواسته بود و سر مظنه حرقشان شده، عظیم، باقمه، سر حاجی ستار را معروج نموده، در این بین چند نفر از اشخاص مجهول به بازار ریخته که بیندید. از طرف حکومت، محرکین را گرفته اند. من جمله عبدالله نام که در مجلس کار کشیده تا سر خود را برید. سایر محبوسین مانع شدند. نان و آذوقه قصبه حالا و بعدها تولید این سادات را خواهد کرد. (۸۴)



[گزارش شماره ۳۲]

آبرگزاری دعای باران و کمی ارزاق، در تبریز

تلگرافات داخله، مورخ غرّه صفر، ۲۵ عقرب

تبریز: از بابت تاخیر باران، اهالی، در وحشت هستند و مکرراً به مصلی با تضرع به درگاه حضرت خداوند متوسل شده اند. آقا سید حسن کرکری، که از جمله سادات و علما و زهاد هستند. با جمعی به خارج شهر به مصلی رفته، مشغول دعا و مناجات هستند.

کمسیون آذوقه، جداً مشغول اقدامات و تا یک اندازه هم موفق شده اند ولی دکانهای خبازی، به حال سابق باقی و نان، با کمال عسرت تحصیل می شود. عمده علت تنگی آذوقه و وحشت اهالی، از مهر کردن انبارهای غله و لایات است که نظامیان روس، مرتکب شده اند. به طوری که از ستماس و مراغه خیر می رسد، اجناسی را که مهر نموده اند، حمل می کنند. سرعت حرکت پیشکار کل، خیلی لازم است. بایانوف، رئیس قزاق، شب گذشته وارد تبریز شد. گندم [خرواری] ۵۵۰ تومانی است. (۸۵)

[گزارش شماره ۳۳]

وضعیت ارزاق در کردستان

تلگرافات داخله، ۳ قوس

کردستان، چندی است عمل نان، زیاده از حد تصور مغشوش است و ابتدا گیر نمی آید. چنانکه چهار روز است تلگرافخانه و اجزا، بی نان مانده اند. حکومت هم، نیست. مردم، نمی دانند درد خودشان را به کی اظهار کنند. سایر ارزاق، وجود کمی را دارد و یافت نمی شود. انسان، متحیر است سلاجوع خود را با چه چیز بنماید. همه روزه چندین نفر، از گرسنگی می میرند. اگر این قسم باشد، تا یکی، دو ماه دیگر تمام مردم، از گرسنگی تلف می شوند. عقیده اغلب مردم، این است که گندم، در کردستان خیلی



بیش از خوراک مردم است و این سنگگیرها، از آقابان ملاکین است. بخصوصی که حکومت هم، نیست و رشته امورات، در دست همه قسم افرادی افتاده، اوضاع غریبی است (۸۶)

[گزارش شماره ۳۲]

منظره و همناک همدان

همدان، اوضاع این شهر، کسب و خجاست کرده، گندم، راه خرواری صد تومان و جو راه، نود تومان می فروختند. حکومت، با خیلی حرارت می خواهد جلوگیری نماید که ترخ از پنجاه تومان بالاتر نرود. جلوگیری، مجال به نظر می رسد. مالیه، با اجازه تهران، پانصد خروار گندم به شهر وارد آکرد، چون مردم در غایت عسرت بودند، حکومت از راه الحاق، دو بیست خروار علاوه گرفته، به نان شهر دادند.

چند روز بود مالیه، گندم نمی داد. امروز هم به اصرار، چهل خروار گرفتند. قرار بود چهل تومان به مالیه بدهند. پنجاه تومان به خیاباز، ده تومان تفاوت را برای اعانه فقرا جمع آوری نمایند. مالیه، پنجاه تومان را جمع کرده که ضرر به دولت نرسد. پنج شش انبار در شهر، که به مهر مأمورین ایران و روس مهور است، امروز خواستند به شهر از این انبارها گندم بدهند. هفت خروار بیشتر ممکن نشد بیرون بیاورند. فردا قرار است تقسیم نمایند.

یک انبار جو یودرانجی را خواستند مهر نمایند. یک نفر صاحب منصب روس، نوشته ابراز کرد که خرواری صد تومان جو را به روسها فروخته است. صادق نام، پاسبان دکاکین می بیند چند نفر قفل دکانی را باز می کنند، معانعت می کند. با شوشکه، او را زخم زده و تلف می شود. چون آژان رسید، رفتند.

تجار ماهی، هزار تومان اعانه استمراری برای فقرا توجیه کرده اند. قرار است خوانین هم، کمکی نمایند [تا] دارالعجزه تاسیس شود. سابقاً عرض کرده بودم، اگر نذار کی برای نان شهر نشده، ثلث مردم می میرند، به اهمال گذشت. از قرار مذکور، شروع شده. روزی چندین نفر از گرسنگی می میرند. (۸۷)

[سند شماره ۱۳]

آرام شیر و خورشید، وزارت داخله، سواد مشرف و حقه حکومت قم، مورخ ۴ جمادی الاولی ۱۳۳۵

مقام منبع وزارت جلیله داخله، دامت شوکته دستخط مبارک نمرة ۱۲۲۶، راجع به تعیین محصول اربابی و مصارف خیابازخانه ها، از حیث گندم و جو و سایر حیوانات و زیارت شد. در این مدینه، از خارج و داخل مشغول تحقیق و تفتیش این مطلب بود.

از قرار می که از تحقیقات مزبور معلوم و تخمین زده شده، این است که عرض می شود در قم، به واسطه سن خواری، زراعت گندم کمتر می شود، اغلب، زراعتش جواست. گندم نان شهر، از فراهان باید بیاید. در سالهای متوسط، در صورتی که سن خواری نشد، محصول اربابی، بعد از وضع بذر و مالیات، در شهر و حومه به طور تخمین گندم، هزار الی هزار و پانصد خروار و جو، چهار هزار و سیصد الی چهارصد خروار است.

در مزروعی شهر، زراعت حیوانات، منحصر به جزئی سنگک است. مقدار عایدی آن هم، پانصد الی ششصد خروار است. مصرف خیابازخانه های شهر در هر فصل، به تفاوت است. روی هم رفته، که حساب شده، روزی چهل خروار گندم و در سال، چهار هزار و چهارصد خروار است و روزی حروار جو و در سال پنج هزار و چهارصد خروار است. عایدی بلوکات متعلق به قم، در سالهای متوسط بدون آفت سن، به طور تخمین، سه هزار خروار جو و دو بیست و پنجاه خروار گندم و یکصد خروار نخود و چهل و پنج الی پنجاه خروار لوبیا و پنجاه خروار ماش است. بلوکات قم، خیابازخانه ندارد که مصرف آن را بتوان معین کرد. اهالی بلوک، تمام، نان خانه می خورند.

آقاخان [ناخو] (۸۸)



گزارش شماره ۳۵

مردن فقر از گرسنگی، در قم

مخبر مخصوص، ۸ ربیع الثانی

اوضاع شهر، به واسطه سختی آذوقه و کثرت فقر، بی نهایت رقت انگیز است. در ظرف چهار روز، قریب به پنجاه نفر از گرسنگی مرده‌اند. روزبه روز اوضاع سخت تر به نظر می آید. اغلب فقرای این شهر، با خون گوسفندها زندگی می کنند. آدم باحس و ناموسی، از کوچه و بازار نمی تواند عبور کند. فریاد الجوع فقرای گرسسته، یک منظره هولناکی را نشان می دهد. محترکین این شهر، یک عده کمی هستند؛ ولی خود راه خداوند و مالک الرقاب پنجاه هزار بدبخت می دانند. (۸۹)

گزارش شماره ۳۶

اوضاع احوال ارزاق، در کاشان

تلگرافات داخله، ۳ قوس

کاشان، به واسطه اینکه باره قیمت نان افزوده شده، امروز قریب به هشتصد نفر زن، به بازارها ریخته و در اطراف تلگرافخانه جمع شده‌اند. چند نفر از آنها، به امر حکومت به دارالحکومه، جلب و حبس شده‌اند. میان قزاقها و چند نفر از سوارهای امنیه نیز، در بازار زده و خوردی واقع شده، پس از وقوع این قضیه، بازارها بسته شد. یک دانه نان، به دست نمی آید. امروز آقا حبیب الله مجتهد و جمع دیگری از علما و غیره از تجاره، به تلگرافخانه آمده و متحصن شده‌اند. جمع کثیری نیز از زن و مرد، به همراهی آنها، اطراف تلگرافخانه جمع شده و شکایت خودشان را تلگرافاً عرض نموده‌اند. وضع شهر، بد است و حالت اهالی، جالب رقت است. بازارها هم، بسته است. (۹۰)

گزارش شماره ۳۷

اوضاع احوال ارزاق، در لنگرود

تلگرافات داخله، ۳ قوس

لنگرود: از قزاق راپورتی که به اداره روزنامه رسیده، آقای فتح الله خان، حاکم لنگرود، مانع حمل برنج به سایر نقاط داخله ایران است. با وجودی که تمام تجار و مقلعین، تصدیق می کنند که اگر آن برنجها، قدری دیگر هم بماند، بوسیده و ضایع خواهد شد. از طرف اداره حکومتی گیلان هم، حکم اجازه حمل آن، صادر شده. راپورت دهنده، فلسفه خصوصی این امر را چنین می نویسد که مقصود حاکم، از مانع شدن در این امر، این است که می گوید: «تا سیر اینچاه، روغن ندیده، ممکن نباشد». (۹۱)

گزارش شماره ۳۸

سمنان

برای نرمیدن جنس مالیاتی دامغان به سمنان، که مالبه، در صدد حمل به تهران است و اهالی دامغان، جواب دادند. این بقیه جنس دیوانی، باید صرف خبازخانه دامغان شود. انقلاب غریبی، در سمنان تولید شده، روسای شرکت خیریه، که خبازخانه سمنان را در عهده داشتند، در صدد بستن دکاکین برآمده‌اند. آقایان و علما و حکومت، جلوگیری کرده و تلگرافات عدیده، خدمت اولیای دولت عرض داشته و استدعای جنس مالیاتی دامغان را، برای نان اهل سمنان نموده‌اند؛ تاکنون جواب نرسیده



است. خیالی مشکل است جلوگیری از اهالی بنود، به واسطه بی نانی، جان جمعی، در معرض تلف است. (۹۲)

گزارش شماره ۳۹

گیلان

به واسطه ورود ققرا و غارت شدگان از اطراف و مشاهده حالت رقت انگیز آنها، که با یک طرز فلاکتی در خیابانها و کوچه‌ها و معبرهای عمومی به سر می‌برند، جمعی از خیرخواهان و نوع پرستان، از چندی قبل به این طرف، که سیونی به اسم هیئت جمع آوری احاطه فقراتشکیل داده و چندین کاروانسراها و مساجد و تکیه‌ها و دکاکین راه برای اقامت فقرا تهیه نموده، نعم آنها را جاداده، وسایل معیشت و حفظشان را از گرسنگی و سرما، فراهم داشته‌اند.

هیئت مذکور، هر شب از نوک مغرب تا پنج ساعت از شب گذشته، تشکیل و با نهایت جدیت، وظیفه وجدانی خودشان را انجام می‌دهند. مخارج روزانه این عده فقرا، که فعلاً جای داده‌اند، روزانه بالغ بر پانصد تومان می‌باشد و این هیئت، تا به حال بخوبی از عده و رسانیدن مخارج آنها، برآمده‌اند. ولی چون همه روزه عده فقرا زیادتر می‌شود و از اطراف، جمعیت‌های زیاد با شکمهای گرسنه وارد می‌شوند، هیئت، در خیال هستند که یک ترتیب اساسی بدهند و نگذارند آنها تلف گردند.

عده‌ای از اکثرهای قفقاز با اکثریستان، چند روزی است به رشت وارد شده، خیال دادن تأتری داشتند. هیئت جمع آوری اعانه، جداً با آنها مذاکره و قرار شده است چند تأتری به منفعت فقرا داده، یک ربع عایدات را به آنها بدهند و بقیه را به مصرف فقرا برسانند. (۹۳)

گزارش شماره ۴۰

انامه علمای اصفهان، در باب وضعیت ارزاق آن شهر

[مکتوب] خصوصاً از اصفهان

کیه کمسیون ارزاق، کیه جریده، رعد، نوبهار، ارشاد، کوکب ایران، دامت بقانهم، خاطر عموم، بخوبی مستحضر است که خوراک اهالی این شهر، تخمیناً صد و سی خروار و بل متجاوز است. امسال، به واسطه کم آبی و خشکسالی، دو نفلت حاصل مزروعی اصفهان، عمل نیامده و عموم، به عسرت و مضیق، دچار و فعلاً روزی بیست و پنج، شش نفر، از گرسنگی تلف می‌شوند.

حضرت اقدس والا دامت عظمته، و آقای موفق اللدوله، معاون حکومت با کمال جدیت و فعالیت، همه شان را مصروف آسایش عامه می‌فرمایند و با هم‌رازان رحمت و شفقت، از شهر و اطراف، جزئی گندمی تحصیل و به خیابان‌ها می‌رسانند که اهالی، آسوده و در رفاه باشند. اگر از این نعمت غیر مترقبه و بی طمعی شاهزاده حکمران و معاون حکومت نبود، با این قحطی و گرانی، رشته انتظامات شهر و اطراف، گسخته و دیگر جلوگیری، از منتهات بود.

برای رفاهیت اهالی و حال صغفا، کمسیون ارزاق، که مرکب از نمایندگان احزاب و هیئت علماء و تجار و اشراف و ملاکین باشد، تشکیل داده و همه روزه حضرت والا شاهزاده، دامت عظمته، و آقای معاون، بشخصه در کمسیون حاضر می‌شوند و مشغول ترتیب نان و سهیل ارزاق هستند. پس از تبادل افکار، هیئت کمسیون، به اکثریت رای دادند که به هیئت دولت دو پیشنهاد بشود.

اولاً: اجازه بدهند از عراق و کمره و گلپایگان به قدر لزوم، جنس برای اصفهان حمل نمایند و تلگرامی به حکام عراق و گلپایگان و خوانسار شود که ممانعت از حمل جنس نمایند که تجار، به آزادی حمل کنند.

ثانیاً: برای همراهی و مساعدت با صغفا و فقرا، قرار داده، پنجاه هزار تومان اغنیا و ملاکین و تجار این شهر، به قدر فوه، به اسم کمک بدهند و از هیئت دولت هم، استر جاماً استند عا و درخواست شود که معادل پنجاه هزار تومان، روزی پانصد تومان از مالیه کمک و به رسم اعانه فقرا هر حمت فرمایند که این یکصد هزار تومان راه، به اطلاع حکومت جلیله و کمسیون ارزاق و هیئت بلدی، به مصرف خریداری جنس از عراق و غیره رسانیده، تاراهها مسدود نشده، جنس به اصفهان برسانند که اهالی، آسوده در این زمستان مشغول دعاگوئی ذات اقدس ملوکانه، ارواح العالمین فداه، باشند تا به یک درجه، رفع قحطی و سختی بشود.





در چند روز قبل هم، حضرت اقدس شاهزاده حکمران و آقای معاون، به تلگرافخانه رفته، مذاکراتی در این خصوص با وزارت جلیله داخله کرده و این دو پیشنهاد را اظهار داشتند و وعده صریح فرموده بودند که در این چند روز، ترتیب صحیحی برای حمل جنس و امر نان داده، پیشنهادات کمیسیون هم تصویب شود. متأسفانه تاکنون اثری به ظهور نرسیده و روز به روز، کار نان سخت تر و مردم بیچاره، از گرسنگی تلف می شوند و عساکریب، رشته انظمامات این شهر و اطراف، گسیخته خواهد شد. آیا این مردم، و دیعه خداوندی نیستند؟ آیا امروز بر هیئت دولت و مصادر امور، فرض نیست حفظ نفوس کنند؟ صریحاً عرض و جسارت می کنم، چنانچه عاجلاً توجهی نفرمایند و در باب جنس و نان، اقدامی نشود، دو تلت از اهالی و فقرا، از گرسنگی تلف خواهند شد. دکانهای خیازی، یک حالت رقت و وحشت انگیزی به خود گرفته که قلم، از شرحش شرم دارد و متظره این مردم، تأسف آور است. عموماً استدعای عاجزانه داریم تا زود است علاجی بفرمایند. این دو پیشنهاد، که مایه امیدواری عامه است، به اسرع وقت، تصویب و به حکومت جلیله امر شود و چه اعانه را جمع آوری و در حمل جنس، اهتمام و اقدامی قوری نمایند.

این آخرین تلگراف ما اهالی بیچاره است. اگر به فوریت توجه و ترتیبی نفرمایند، توقع جلوگیری از مردم را نداشته و مسلم عاقبت و خیم خواهد شد. دیگر بنده به نظریات و رای اولیای امور خواهد بود. وظیفه ما، عرض کردن است که سائهای سال، کرور کرور و میلیونها مالیات داده ایم. امساله، پنجاه هزار تومان اجاره می خواهیم خرج فقرا و ضعفا، بدبخت در مانده، از مالیات پرداختی اهالی بشود.

میرزا احمد دولت آبادی کلباسی، داعی علی محمد کلباسی، عباس صادق الحسینی، داعی حاج امین الاسلام، احقر علی محمد، شیخ محمد، احقر ابوالقاسم قزوینی، مهدی الحسینی، داعی محمود الحسینی، محمد حسین کازرانی، اعتماد التجار، اقل حاج محمد ابراهیم اصفهانی، الحاج سید مهدی اعتماد العلماء، محمد حسین، الحاج حیدر علی سرام سدهی، شیخ احمد حسین آبادی، اقل الحاج محمد حسین برادران، العبد محمد مهدی طباطبائی، اقل السادات احمد میرزا، آقامیرزا احمد الحسینی بنان الشریعه، محمود الحسینی، اقل السادات محمد باقر طباطبائی، قوام الدین رشتی، اقل مرتضی ابن الحاج عباس، علی رشتی، بسم الرحمن الرحیم، معاونت دولت علیه، در موقع اضطرار واقع شده، خیلی اهمیت دارد. داعی، فشار کی (۹۴)

گزارش شماره ۴۱

در ولایات اردبیل

روز شنبه گذشته [۱۵ صفر اهالی اردبیل، به واسطه کمی غله و نقاضای مساعدت دولت، تعطیل و در مساجد اجتماع نموده، نطقهای مفصلی کردند. حکومت، آنها را به هر نحوی بود، متقاعد و اادار به باز کردن دکاتین خود نموده، تلگراف ذیل را به وزارت داخله، مخابره کرده است:

«خاطر اولیای محترم دولت را به وضع قحط و غلامت مستحضر داشته، برای فراهم نمودن موجبات آسایش و رفاهیت مردم و جلوگیری از انلاف نفوس، چاره را منحصر بر این دیده که نان را شو قسم اداره نماید، یکی برای ضعفا و فقرا، که گندم از انبار دولتی مثل تیریز تسخیر شده، بدون رعایت تفاوت در تحت نظارت هیئتی از تجار و اعظام بفر و شوند. برای تعیین عاده آنها، به اسم و رسم، صورت برداشته که بلیط داده شود. مصرف آنها، روزی یازده خروار غله به وزن آنجاست که از انبار دولتی داده می شود.

و قسم دیگر، نان را به هر قیمتی که برای خیابان تمام می شود، در تحت نظارت بلدیّه، از قرار مظنه روز بفر و شوند. چون اداره مایه، اجازه نداشت که نان شانزده هزار نفر را بدهد، برای جلوگیری از اغتشاش، قرار گذاشتم رئیس مایه، یکماهه به یک نفر کترات بدهد و ضرر آن را، که ده هزار تومان است، به ایشان بدهیم. هفت هزار تومان از این ضرر را، متموکن، قبول و بقیه را شخصاً قبض داده ام که بعد دولت، قبول نماید. فعلاً چند روز بیشتر به انقضای کترات باقی نمانده و اگر حکم تسخیر جنس نرسد، مجدداً مروجب هیجان عمومی خواهد بود. (۹۵)



[سند شماره ۱۴]

آرم شیر و خورشید وزارت مالیه، اداره خزانه داری کل،
سواد راپورت مالیه کرمانشاهان، نمره ۱۵، ۵ سنبله ۱۲۹۶

مقام محترم خزانه داری کل
در تعقیب عرایض سابقه، راجع به قوت گرانی و کمی جنس امسال، معروض می دارد؛ به موجب حکم وزارت جلیله مالیه، تا به حال مقداری جو به اداره قشونی روس، تحویل شده. اینک سواد مراسله ای (که از اداره مباشرت قشون روس فرستاده اند، تقدیم [خواهد] داشت. مالیات دولت، منحصر به غله است و برنج ندارد.
اصل مقصود بنده، این است تا این [ناخوانا] تمام آنچه ذخیره و آذوقه یکساله اهالی فلک زده این شهر و صفحات [را] می خواهند بگیرند و اگر از حالا رفع این محظور نشود، قطعاً در این زمستان قحطی و سختی، در این شهر خواهد افتاد. از کارگزاری هم، با تلگراف رمز، به وزارت جلیله امور خارجه، عرض شده که چاره آن، محصور نخواهد بود.
عمادالاوله [امضا] (۹۶)

[سند شماره ۱۵]

آرم شیر و خورشید وزارت امور خارجه، اداره روس، سواد یادداشت سفارت روس،
نمره ۳۳۰، مورخ ۴ ذی الحجه الحرام ۱۳۵۵

جناب جنرال بارانف، تلگرافاً سفارت را مطلع می دهند که نظر به شکایات متوالیه از یودراتچیها، که شتر و سایر وسایل حمل و نقل جنسی را به تهران ضبط می نمایند. محض آسایش و ترضیه خاطر اهالی، دستجات قشونی که در اطراف تهران بوده، احضار نموده اند و نیز، اطلاع می دهند که به موجب شکایات واصله، باز پاره ای اشخاص، به عنوان و اسم یودراتچی، وسایل حمل و نقل جنسی را برای جلب نفع و اخذ پول، گرفته و پس از نایل به مقصود، آنها را راه می کنند. جناب ژنرال معزی الیه، از اولیای دولت علیه خواهشمند است که مقرر شود این قبیل اشخاص واد به توسط قزاقان ایرانی، گرفته به جاهای لازم برای استطاق و مجازات بفرستند تا دیگر به این عنوان، مرتکب این قبیل حرکات نشوند.
زیاده زحمت افزای نمی شود.

اتر، محل مهر سفارت روس
سواد، مطابق اصل است. [امضا] (۹۷)

[سند شماره ۱۶]

آرم شیر و خورشید خزانه داری کل ایران، نمره ۸۰۸۷
۲۲ برج عقرب ۱۲۹۶، صفر ۱۳۳۶

مقام منبع وزارت جلیله مالیه
در جواب تلگراف نمره ۲۹۰۹۵ مورخ اوک برج میزان، خاطر مبارک را مستحضر می دارد. ترجمه تلگراف مزبور، در باب وعده ژنرال بارانف، برای مساعدت تسهیل حمل و نقل غله دولتی، به اداره حمل و نقل نظامیان روس فرستاده شد و اینک از آن اداره، پس از مکاتبه به توسط اداره کل حمل و نقل، به ژنرال بارانف جواب نامساعدی رسیده که بکلی متغایر است با وعده های ژنرال مشارالیه. محض مزید اطلاع وزارت جلیله ترجمه مراسله اداره حمل و نقل، (۹۸) لفاً تقدیم می دارد.
[امضای ناخوانا] (۹۹)



[سند شماره ۱۷]

آرم شیر و خورشید وزارت امور خارجه، اداره تحریرات روس،
نمره ۱۴۰۵/۷۱۷ مورخ ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۴

وزارت جلیله مایه

مرقومه محترمه مورخ ۲۵ برج قوس به نمره ۲۹۰۲۲، محتوی سواد راپرت اداره مایه کردستان، در باب عسرت و قحطی آذوقه و ارزاق ولایت مزبوره، واصل گردید. تنگنایه آقای ساعداالسلطنه، تعلیمات داده شده که با ژنرال بارانتف، مذاکره مؤثره نموده و جدآرفع بی اعتدالی و ظلم نظامیان را از کردستان بخواهد و به ژنرال فسولگری دولت علیه در تغلیس نیز، تعلیمات داده شده که به مواقع مربوطه، مذاکرات نموده و احکام لازم، دایره به جلو گیری از این قبیل حرکات، صادر نمایند. محمدعلی امیر (۱۰۰)

[سند شماره ۱۸]

آرم شیر و خورشید خزانه داری کل ایران، نمره ۲۱۸۴،
۱۸ برج قوس ۱۲۹۶، کردستان

مقام منبع وزارت جلیله مایه. دامت شوکت

در دنباله راپورت‌های سابق، راجع به هسنته ارزاق کردستان، به استحضار خاطر مبارک می‌رساند: در شهرهای کردستان، گندم نایاب شده و اگر اتفاقی گندمی در گوشه و کنار پیدا شود، هشتاد تومان معامله می‌شود. کار خیابان‌ها، اکنون در گندمی که به مالکین در خرواری سی تومان قبول آمده شده، راه افتاده است. در این موقع، که قحطی بالا گرفته و در شبانه روز، عده‌ای نفوس تلف می‌شود. خود نظامیان هم، سختی کار آذوقه را احساس کرده‌اند و فوای عمده خود را به محل نصیر آباد و بی‌دیق، که حاصلخیزترین نقاط کردستان و همیشه ضامن نان شهر بوده و هست انتقال داده، گندمی را که محل ... خیابان‌ها، بود، توقیف کرده، برای خود به مصرف می‌رسانند. در صورتی که در سایر یلوکات، که قسمت شمال و جنوب و غرب را تشکیل می‌دهند، یک حبه گندم و جو، موجود نیست، این فقره، اسباب تزلزل و اضطرابات عمومی شده و مستعد یک انقلاب عظیمی گردید. برای رفع مشکلات آذوقه و تسهیل امر ارزاق، حکومت از شهر، عموم اهالی اجتماع کرده، بالانفاق یک کمیسیون دوازده نفری در میانه خود را انتخاب نمودند. فدوی را نیز، یکی از اجزای کمیسیون قرار دادند. فدوی نیز، تقاضای اهالی را قبول نموده، پس از اینکه داخل در یک رشته عملیات شد، خوب حسن کردم که کار گندم، دو مشکل عمده دارد:

۱. خرده مالکین، در صورتی که می‌بینند در شهر گندم، خرواری هشتاد تومان معامله می‌شود و مجبور شده‌اند، برای خیابان‌ها، خرواری سی تومان بفرشند، به انواع وسایل تشبث کرده، همه قسم مشکل تراشی می‌نمایند که گندم به خیابان‌ها نرسد و شاید ضیقیت نان، اهالی را مجبور نماید هر چه زیاده تر قیمت گندم را ترقی بدهند. اهالی هم، که تا این تاریخ، گندم را در خرواری هفت، هشت تومان خورده‌اند، حاضر نیستند سی تومان زیاده تر نان بخورند. این کشاکش و جدال، متصل در جزیره و مداست و هنوز راه حلی برای این مسئله، پیدا نشده است.

۲. تمام اقدامات و زحمات حکومت و اهالی، در محدود کردن نظامیان، راجع به جمع نمودن گندم و سایر ارزاق، تاکنون عقیم مانده است و روز به روز کار، مشکلتر می‌شود. فدوی، که از طرف عموم، سمت نمایندگی را داشتیم به اتفاق کمیسیون دوازده نفری، اخیراً ملاقاتی با ژنرال بارانتف نمودم. در نتیجه یک سلسله مذاکرات، ژنرال بارانتف، فایده و موافقت نمودند که اداره [ناخوانا] مزاحم نگردد که برای مصرف نان شهر، حمل شود و از طرف حکومت و اهالی، رئیس امنیت، به جهت حمل جنس، مامور در فریه گردید، چون به کارهای امروزه اعتمادی نیست، سعی دلم این حکم ثابت است یا بزرودی مثل سایر احکام ... خواهد شد.

(امضا) (۱۰۱)



[سند شماره ۱۹]

آرم شیر و خورشید وزارت امور خارجه، سواد یادداشت به سفارت روس،
نمره ۱۷۳۴/۸۴۲، مورخ ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۶

وزارت امور خارجه، با نهایت احترام، بناظر اولیای آن سفارت سنبه را مستحضر می دارد که برحسب راپورت کارگزاری قزوین، چندی قبل به موجب دعوت قنصل و رئیس قشون روس، حکومت و کارگزار و پیشکار مالیه و جمعی از ملاکین و اعیان شهر، در کلوب اجتماع کرده و مذاکراتی راجع به از اذاق به عمل آمده و رئیس قشون، اظهار داشته است که دولت ایران، ثلث مالیات جنسی قزوین را برای مصارف نظامیان، تخصیص و حکم تسلیم داده است. در صورتی که خود اولیای آن سفارت سنبه، تصدیق می فرمایند که مطابق احصائیه، در صورتی که تمام انبارهای موجوده قزوین، توفیق و اغله مالیات دولتی به مصرف خود محل برسد و حمل به تهران نشود، به زحمت می توان آذوقه اهالی شهر مزبور را تا اول بهار تامین کرد. چه رسد به آنکه مقداری از آن، برای مصارف نظامیان تخصیص شود. به علاوه، اولیای دولت ایران، به همین نظر هیچوقت چنین تخصیصی را به واسطه احتیاج مبرم قزوین و نهران، نداده است. وزارت امور خارجه، باز هم به تصور اینکه شاید بتوان مقداری از جنس قزوین را برای مصارف نظامیان تخصیص داد، مراتب را بعد از وصول راپورت مزبور، به وزارتین داخله و مالیه اشعار داشت که در صورت امکان، چنین اجزاهای داده شود، اینکه از وزارت داخله، جواب می دهند: «تحتی و عسرت آذوقه، منحصر به قزوین نبوده و تمام ولایات، به این عسرت گرفتار و به همین علت، وزارت داخله و مالیه، با هزار گونه اهتمام و جدیت، هنوز نتوانسته است جنس از قزوین در بابت مرکز حمل نماید، باین وضع، چگونه ممکن است جنسی هم برای نظامیان تخصیص داده شود؟»

اظهارات مسیو گیلا برنت، قنصل قزوین هم، از وزارت خارجه، راجع به اینکه به واسطه خشکالی و قحطی، نمی توان جنس از قزوین به خارج حمل کرد، موید این حقایق بوده و بدیهی است در صورتی که از قزوین نتوان جنس، برای تهران به این درجه لزوم و اهمیت، که مشاهده می شود، حمل نمود، به طریق اولی، نمی توان مقداری از آن جنس را، برای مصارف نظامیان آن دولت بیه، تخصیص داد.

بنابر مندرجات فوق، مخصوصاً خواهشند است به وسایل سریع، مقرر فرمایند، اولیای نظامی آن دولت بیه، از تعقیب این موضوع صرف نظر نمایند که تولید مشکلات نشود. از نتیجه اهتمامات مبدونه، وزارت امور خارجه و افرین استحضار فرمایند.

سواء مطابق اصل است. (امهر) وزارت امور خارجه (۱۰۲)

[سند شماره ۲۰]

آرم شیر و خورشید وزارت مالیه، اداره خزانه داری کل،
سواد راپورت مالیه کرمانشاه، نمره ۱۱۸۶۱، مورخ ۱۷ دیو ۱۲۹۶

مقام محترم خزانه داری کل

محض یادآوری خاطر محترم و لزوم تصفیه حسابات جنس سنوات ماضیه این ولایت، مستدعی است به راپورت های مکرره اداره مالیه کرمانشاهان، که در موضوع جنسهای غارتی انبارهای مالیه و تحویل به قشون عثمانی و غیره، عرض شده است، توجه فرمایند. مجدداً به شرح ذیل، مقادیر جنس ضایع شده سنوات ماضیه این ولایت را، از لحاظ مبارک می گذارم و نظر به اینکه تا [ناخوانا] به انتظار تعیین تکلیف و صدور اجازه مرکزی، هنوز مقدار ذیل المذکر به خرج گذاشته نشده و همه ماهه در صورت حسابات جنس ماهانه مثل موجودی انبار منقول شده است و این مسئله، موجب اختلال و اغتشاش حواس و بالاخره باعث تفسیح حسابات خواهد شد، پیشنهاد می نمایم که اجازه فرمایید به خرج گذارده شود که حسابات آتی، صافی باشد.

صورت جنسی که از انبارهای مالیه غارت شده است، به شرح ذیل:

تاریخ برج حوت در موقع عقب نشینی قشون عثمانی از انبار مالیه کرمانشاهان، برحسب راپورت [ناخوانا] که به نحقیق بیوسته است، غارت شده: گندم ۲۴۹۵ من، جو ندارد.

تاریخ حوت لوی نیل [در موقع عقب نشینی قشون عثمانی، به موجب راپورت سفتر، از انبار سفتر غارت کرده اند: گن





۱۰۰۰۰ من، جو ۳۰۱۷ من.

تاریخ نور لوی نیل [آبه موجب راپورت امین مالیه سقزو. که به تحقیق پیوسته است. در موقع حمل جنس از سقزو ... رماغ باوندها غارت کرده اند: گندم ۴۱۲۴ من، جو ندارد.

تاریخ برج حوت لوی نیل به موجب راپورت امین مالیه انباردار کنگاور کسر آورده است: گندم ۶۸۲ من، جو ۹۶۴ من. تاریخ برج حوت لوی نیل [] که به موجب راپورت نمبر ۸۳۳۸ مالیه کرمانشاهان، به عرض رسیده است، از صحن رومها غارت کرده اند، گندم ۸۳-۹۹ من، جو ۳۵۳۹ من، آرد ۲۳۳۳۳ من.

جمع خسارت وارده از غارت و سرقت: گندم ۱۱۸۲۸۴ من، جو ۷۵۲۰ من، آرد ۲۳۳۳۳ من. صورت جسی که قشون عثمانی، در سنه لوی نیل برده و قبض داده اند، به شرح ذیل،

در کرمانشاهان، به موجب چند فقره قبض، مقدار شصت خروار جو برده اند ولی ... یک هزار خروار جو فروشی به عثمانیها، کسر گذاشته می شود و به میزان نمی رود.

صحنه: به موجب راپورتهای امین مالیه و قبض ارسالی: گندم ۱۰۵۹۸ من، جو ۱۳۳۰۳ من.

سقزو: به موجب راپورتهای امین مالیه و قبض ارسالی: گندم ۵۵۴۲ من، جو ۱۱۰۷۱ من.

کنگاور: به موجب سه فقره راپورتهای کنگاور، پس از وضع بیست و یک خروار جو، که در موقع فرار عثمانیها مسترد

داشتند و کسر نموده است، گندم ۲۶۳۹۰ من، جو ۱۳۸۸۴ من، جمع: [گندم] ۴۲۵۳۱ من، [جو] ۲۸۲۵۸ من غارت شده و سرقت به شرح فوق: گندم: ۲۲۵۳۱ + ۱۱۸۳۸۴ من، جو ۲۸۲۵۸ + ۷۵۲۰ من، آرد ۲۳۳۳۳ من

[مجموع] گندم: ۱۶-۹۱۵ من، جو ۴۵۷۷۸، آرد ۲۳۳۳۳ من

رئیس مالیه ولایتین (۱۰۳)

[اسفند شماره ۲۱]

مقام منبع وزات جلیله مالیه

راجع به راپورت اداره مالیه کرمانشاهان، در موضوع جنس غارت شده از انبارهای مالیه در سنه ماضیه لوی نیل [۱۲۹۵] و تحویل به قشون عثمانی، که مقرر فرموده اند. هر گاه اداره محاسبات کل مالیه، سابقه دارد، عقیده خود را معروض نمایند؛ اولاً: در این اداره، اطلاعات کافی، که شامل حقیقت امر بوده یعنی از اینکه بتواند قویاً و مطمئناً وقوع قضیه و مقدار حقیقی جنس غارت شده را، بخشد، موجود نیست و فقط سابقه موجوده، همان راپورتهای واصله از مالیه کرمانشاهان است که از موضوع غارت و جنس تحویلی به قشون عثمانی، حکایت می نماید. در این صورت، راجع به تصفیه امر تازمانی که مقدار غارت شده، به تحقیق نییوسته است، بدیهی است که هیچگونه عقیده اظهار نمی توان کرد. ولی برای اینکه ناچاراً باید ترتیب این کار داده شود و تکلیف محاسبات کرمانشاهان معلوم گردد، لازم است اولیای وزارت جلیله، در این باب اتخاذ تصمیم قطعی فرمایند و این معنی، باز راپورتهای واصله از کرمانشاهان و تصدیق امین مالیه فعلی، اطمینان حاصل فرموده و به خرج بردن اجناس غارت شده و تحویلی را جهت قشون اجازه دهند. یا اینکه در صورت اقتضا، اعزام یک نفر مفتش امین و معتمد راه برای تحقیق امر به کرمانشاهان و همدان و نردین و ولایات لئنه و کردستان، که در تمام ولایات این گونه معاملات شده است، تعیین فرموده و موافق تحقیقات مفتش مزبور، به خاتمه دادن عمل، امر فرمایند. بدیهی است هر گاه نتیجه رسیدگی مفتش، از میزان قلمدادی کمتر و معلوم گردد که به این اندازه غارت نشده و عملیاتی دیگر در کار بوده است، البته تفاوت آن از صاحب جمعان جنس باید استرداد گردد. ولی سخن در مفتش است که کاردانی و فعالیت آن، تاجه اندازه و درستکاری و صحت عمل وی، تاجه پایه باشد؟ مسلماً چنانچه وزارت مالیه، به تعیین یک نفر مفتش جدی و صحیح العمل و وظیفه شناس موفق آید، این اقدام به صرفه دولت مقرون خواهد بود.

ثانیاً: پس از باز شدن راه کرمانشاه و سایر ولایات غرب و وصول راپورتهای ادارات مالیه در برج حمل یا نور هذه السنه، اداره محاسبات کل مالیه، برای اینکه میزان ماء خودی قشون عثمانی و مجاهدین ایرانی راه از ولایات مزبور تشخیص دهد، در این کار اقدام و پس از تشکیل چندین جلسه، که نماینده خزانه داری کل نیز، در آن عضویت داشته. کلیه ماء خودی نقدی و جنسی اردوی عثمانی و مجاهدین راه تعیین و صورت آن راه مقام محترم وزارت جلیله، تقدیم کرد. ولی متأسفانه صورت مزبور، که بایک زحمت فوق العاده تهیه و ترتیب شده بود و امیران همراهی قشون عثمانی را بخوبی روشن کرده بود. ناگون به اداره محاسبات کلی، عودت داده نشده و معلوم نیست که در کجا مانده است. هر چند تهیه آن، جدیداً هم در صورتی که لازم شود، ممکن است، ولی مدتی وقت و فرصت می خواهد. (امضا) (۱۰۴)



[احتکار گندم، به دست انگلیسیها]

یزد، روز گذشته مجدداً عده‌ای از نجات، به تلگرافخانه آمده و تلگرافات متعدد به مقامات مربوطه، مخابره نمودند که مدتی است قریب سه هزار خروار از جنس املاک خود و خریداری، تهیه نموده، در صورتی که در خود شهر کرمان و بم و نرماشیر و بم، کاملاً جنس موجود است و مقدار مهمی هم انگلیسیها، انبار کرده‌اند. معیناً اجازه حمل جنس فوق را به یزد نداده و مشغول حمل به کرمان هستند. از طرف وزارت داخله، تلگراف موکد دیگری به ایالت کرمان مخابره شده که جنس موجوده در رفسنجان را به یزد حمل نمایند. اخیراً هم تلگرافی از طرف معاون حکومت، به آقای سردار جنگ مخابره شده که در ذیل ملاحظه است:

نمره ۴۹۴. حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف آقای سردار جنگ

در موضوع عمل جنس، شرحی به سردار نصرت تلگراف کرده بودم که جواب آن را، ذیل به عرض می‌رسانم: ابداً عنوان، تلگراف شریف زیارت، نظریه عوانم بزرگی نسبت به حضرت اشرف آقای سردار جنگ، بقدری در حمل جنس یزد اصرار کردم که به پی‌مرحمتی حضرت اقدس ایالت کیرا منتهی شد و چند روز است بنده، از کار منفعل شده‌ام. در این صورت، ملتفت می‌شوید که تقصیر بنده، نموده، سردار نصرت!

تجار را هم، که دوروز قبل در تلگرافخانه متحصن شده بودند و بنده آنها را از تحصن خارج کردم، به واسطه نرسیدن جواب، باز امروز در تلگرافخانه متحصن شده و می‌گویند: تا تکلیف قطعی ما را رعیت محترم دولت، معین نفرمائید، خارج نخواهیم شد. در این صورت، مستدعی است هر چه زودتر تکلیف، برای جنس آنها، که از رفسنجان برده و می‌برند، معین فرمائید.

مهدی قلی (۱۰۵)

مساجد با آریاب کیخسرو، راجع به خرید گندم

روز گذشته [چهارشنبه ۵ صفر، ۲۹ هجری] منبر مخصوص ما، آقای آریاب کیخسرو را ملاحظات و در خصوص خریداری و حمل گندم، سئوالات ذیل را نموده است:

۱. از چه وقت شروع به خرید گندم نموده‌اید؟

[جواب: از دهم ذی‌فعدة.

۲. قرارداد کتبی با دولت بسته‌اید؟

[جواب: خیر، دولت، امر فرمودند، بنده هم، مشغول خرید شدم.

۳. جقدر مقرر بود، گندم اتباع فرمائید؟

[جواب: در ابتدا پانزده هزار خروار، دولت، امر فرمود بخورم. پس از چندی قرار شد پانزده هزار خروار دیگر هم، گندم بخورم.

به شرطی که خود خیاز، گندم نخرد. مجدداً گندم خریدن آزاد شد و به من امر شد، هر قدر بتوانم گندم، خریداری کنم.

۴. تاکنون چه مقدار گندم خریده‌اید؟

[جواب: آنچه اطلاع دارم، دوازده هزار و دویست و پنجاه خروار خریداری شده و تا روز گذشته، مقدار شش هزار و

سیصد و بیست و شش خروار گندم، وارد تهران شده و دو هزار و دویست خروار در راه است و بقیه هم، در محل است که بهرور

حمل می‌شود و ممکن است که علاوه بر مقدار فوق هم، خریده شده و تاکنون به من اطلاع نرسیده باشد.

۵. به چه قیمت وارد تهران شده است؟

[جواب: به تفاوت کرایه و قیمت خرید در محل، از ۳۵ تومان الی ۵۰ تومان وارد انبار شده است.

۶. جنس، از چه نفاطی خریده‌اید؟

[جواب: از عراق [الراک] شرقان، قزوین، خوار، ساوجبلاغ و دامغان.

۷. از حیث حمل و نقل، دچار اشکالی هستند؟

[جواب: خیر، من در ابتدای کار، فوراً برای پانزده هزار خروار جنس، شتر تهیه کردم. از حیث و سایل حمل و نقل، راحت





و آسوده هستم و اگر این پیش بینی را نکرده بودم، قطعاً دچار اشکالات فوق العاده می شدم.
۸. در بین عملیات، به چه اشکالات و موانعی دچار شدید؟

پاسخ: دو مانع مهم پیش آمده که خیلی اسباب زحمت است و جلوگیری از موفقیت کامل من، در تهیه جنس، برای تهران نموده است و این دو مانع، یکی ملاکین و دیگر مامورین دولت هستند.

ملاکین، که هر کدام، چندین هزار اخروار اجنس و اختکار کرده اند که فردا با خون مردم مبادله کنند. به محض اینکه می بینند دولت، شروع به خرید گندم نموده، فوراً مردم را تحریک به شورش و بلوای می نمایند. حکام نیز، که اغلب خودشان، از همان ملاکین می باشند، تلگرافات به دولت می کنند که در این محل گندم، برای اهالی نیست، مردم شورش کرده اند. به این طریق، خاطر اولیای دولت را متوخش می نمایند. این علت بزرگ، باعث شده که کار بخوبی پیشرفت نمی کند. بنده، شتر و دو چرخه و جوال تهیه کرده و فرستادم قزوین که گندم خریداری شده را، حمل کنند. به همین تحریکات، حکومت، ممانعت از حمل گندم نمود و مدتی شتر را در آنجا محفل کرد و به دولت تلگراف کرد که مردم نمی گذارند، شورش می شود و غیره. تا بالاخره دولت، آقای زامعطفی خان را، برای کشف حقیقت و حمل جنس، به قزوین فرستاد. همچنین در عراق لاراک امتثال حاجی سهم الملک، که چندین هزار خروار گندم دارد. هر روز به عنوانی اسباب مزاحمت می شوند. چنانچه در سرخرمن در عراق، گندم، خرواری یازده تومان بود. تا دولت خریداری کرد، فوراً به چهل و دو تومان رسید. تا اینکه دولت، مجبور شد دو روز قبل امر کند که گندم عراق، باید در ۲۵ یا ۲۸ تومان به فروش برسد. همچنین، در آنجا هم برای حمل گندم، دچار ممانعت اهالی و مامورین دولت بودم و اکنون اقتدارالدوله، رفته است که گندم حمل نماید.

یک علت دیگری که باعث بعضی تحریکات شده، این است که بنده، شتر را قبلاً گزیده و حاضر نموده بودم و عنوان مال بگیری در بین نیست که بعضیها از آن، منافع ببرند.

۹. در نقاطی که گندم اشیاع نموده اید، باز هم جنس هست و می توان خرید؟

پاسخ: بلی، در این نقاط، جنس فراوان است و اخیراً مامورین دولت، در عراق چند هزار خروار جنس معتکین را کشف کرده اند و یقین دارم قریب بیست هزار خروار در عراق جنس، در انبارها مخفی است. همچنین در قزوین جنس مخفی، فراوان است. از قراری که راپورت به من داده اند، دو بلوک زهره در خوار و در ساوجبلاغ، ده هزار خروار زیادتر از درجه احتیاج اهالی، جنس موجود است.

۱۰. چرا از خمسه و همدان، تهیه جنس نکردید؟ آیا در آن نقاط، جنس موجود است؟

در آن دو نقطه فوق هم، جنس فراوان است. ولی چون حکومت خمسه، خودش ملاک و امیران هم، هم متفقاً همدان و تنها سه، چهار هزار خروار در درجیز جنس دارد، قطعاً اگر دست به خرید جنس می زد، شورش و تحریکات حاصل می شد. به این واسطه، تاکنون راضی به خرید از این دو نقطه نشده ام و دولت هم، حاجی ساعدالسلطنه را، به همدان فرستاده است برای جنس بدیهی است اگر دولت مساعدت کامل نکند، از خمسه و همدان، جنس زیادی هم برای تهران تهیه می توان کرد و هم اهالی آنجاها، به این فحطی مصنوعی دچار نمی شوند. (۱۰۶)

منابع و توضیحات :

۱. مستوفی عبدالله، شرح زندگانی من با تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، تهران، کتابروشنی روز، چاپ دوم آبی تاه ص ۴۹۴
۲. همچنین گزارش دیگری را نیز، می توان در خاطرات عین السلطنه سائور جستجو کرد. عین السلطنه سائور و فهمان میرزا روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۱، به گوشش مسعود سائور و ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸، صص ۴۹۱، ۴۹۲.
۳. روزنامه ایران، ش ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ص ۲.
۴. در آن زمان، یکی از طرحهای دولت (اعتلاء السلطنه) برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی بود.
۵. روزنامه ایران، ش ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، شوال ۱۳۳۵، ص ۱.
۶. عبدالله مستوفی، علت اصلی این اعتراضات را، تحریکات برخی متنفذین، جهت کسب مقامات سیاسی ذکر کرده است. ز. که مستوفی، همان، صص ۵۰۱، ۴۹۸.
۷. روزنامه رعده، ش ۳۶، ص ۸، لوگ ربیع الثانی ۱۳۳۶، ص ۱.
۸. همان، ش ۴۰، ص ۸، ربیع الثانی ۱۳۳۶، ص ۲.
۹. روزنامه ایران، ش ۲۳۰، ۲۳۱، شعبان ۱۳۳۶، ص ۳.
۱۰. روزنامه رعده، ش ۳، ص ۲، ۹، صفر ۱۳۳۶، ص ۱.
۱۱. روزنامه ایران، ش ۲۱۳، ۲۱۴، رجب ۱۳۳۶، ص ۱.
۱۲. همان، رعده، ش ۵ سال ۵، صفر ۱۳۳۶، ص ۲.
۱۳. همان، ش ۴۵، ص ۸، ربیع الثانی ۱۳۳۶، ص ۲.
۱۴. کو هستانی بژان، مسعود نقد قنات در دوره مشروطه، فصلنامه قنات، دوره جدید، شماره ۵، ص ۱۰۶.
۱۵. همان، سرگذشت لوت در عصر مشروطیت، فصلنامه قنات، دوره جدید، شماره ۱۰، صص ۷۰ و ۶۹.
۱۶. روزنامه ایران، ش ۱۰۸، ۱۰۹، شوال ۱۳۳۵، ص ۱.
۱۷. روزنامه رعده، ش ۷، ص ۸، صفر ۱۳۳۶، ص ۲.
۱۸. همان، ش ۸۱، ص ۸، ربیع الاوّل ۱۳۳۶، ص ۲.
۱۹. همان، ش ۳۳، ص ۸، صفر ۱۳۳۶، ص ۲.
۲۰. روزنامه ایران، ش ۲۴۰، ۲۴۱، شعبان ۱۳۳۶، ص ۲.
۲۱. همان، ش ۲۲۹، ۲۳۰، شعبان ۱۳۳۶، ص ۱.
۲۲. روزنامه رعده، ش ۱، ص ۸، ۹، محرم ۱۳۳۶، ص ۲.
۲۳. همان، ش ۱۶، ص ۸، صفر ۱۳۳۶، ص ۳.
۲۴. برای شناخت هرچه بیشتر وضعیت لوزان در گیلان در پانز و زمستان سال ۱۲۹۶، ز. که هستانی بژان، مسعود، اخورشید بر فراز





- ۶۲ همان، سند شماره ۵۲، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۶۳ همان، سند شماره ۴۷، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۶۴ روزنامه رعد، ش ۲، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳
- ۶۵ همان، ش ۳، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۶۶ سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۲، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۶۷ همان، سند شماره ۲۲، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۶۸ همان، سند شماره ۳ و ۳، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۶۹ همان، سند شماره ۷۷، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۷۰ همان، سند شماره ۷۹، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۷۱ همان، سند شماره ۶۹، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۷۲ همان، سند شماره ۲۹ و ۳۸، ۱۶، ۸، ۲۴۰
- ۷۳ روزنامه رعد، ش ۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۷۴ همان، ش ۳۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۷۵ همان، ش ۲۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱ و ۱
- ۷۶ همان، ش ۴۱، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۳
- ۷۷ روزنامه ایران، ش ۳۱۲، ۱۶ رجب ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۷۸ روزنامه رعد، ش ۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۷۹ همان، ش ۳۷، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۸۰ همان، ش ۵۸، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۸۱ همان، ش ۳۳، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۸۲ روزنامه ایران، ش ۱۱۶، غره ذی حجه ۱۳۳۵ ق، ص ۱
- ۸۳ روزنامه رعد، ش ۳۲، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۸۴ همان، ش ۱۰، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۸۵ همان، ش ۲، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۸۶ همان، ش ۱۰، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۸۷ همان، ش ۱۷، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۸۸ سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۹، ۳۸، ۶، ۲۴۰
- ۸۹ روزنامه رعد، ش ۵۳، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۹۰ همان، ش ۱۰، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۹۱ همان
- ۹۲ همان، ش ۲۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۵
- ۹۳ همان، ش ۳۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۹۴ همان، ش ۱۷، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۹۵ همان، ش ۱۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۲
- ۹۶ سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۷، ۵۷، ۴، ۲۴۰
- ۹۷ همان، سند شماره ۱۵۷، ۷، ۲، ۲۴۰
- ۹۸ در مجموعه، بافت نشده است.
- ۹۹ همان، سند شماره ۶۵، ۳، ۷، ۲۴۰
- ۱۰۰ همان، سند شماره ۳۵، ۳۸، ۶، ۲۴۰
- ۱۰۱ همان، سند شماره ۲۴، ۳۸، ۶، ۲۴۰
- ۱۰۲ همان، سند شماره ۱۱، ۳، ۷، ۲۴۰
- ۱۰۳ همان، سند شماره ۲۴، ۵۷، ۴، ۲۴۰
- ۱۰۴ همان، سند شماره ۲۵ و ۲۶، ۵۷، ۴، ۲۴۰
- ۱۰۵ روزنامه رعد، ش ۴، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۱۰۶ همان، ش ۵، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱

- جنگل، فصلنامه مجینه اسناد، شماره پیاپی ۳۳، صص ۷۰، ۷۰
- ۲۵ روزنامه رعد، ش ۸، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۲۶ همان، ش ۱۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۲۷ همان
- ۲۸ همان، ش ۳۵، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، صص ۱ و ۱
- ۲۹ جسته صدور حکم توقیف آثارهای متکثرین در اصفهان، کسر، گلپایگان در اوایل قمری آذر ۱۲۹۶ ر. که روزنامه رعد، ش ۱۴، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۳۰ همان، ش ۱۵، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۳۱ همان، ش ۲، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۳۲ همان، ش ۵، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۳۳ همان
- ۳۴ همان، ش ۶، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۳۵ مابری، جیمز، عملیات در ایران آنگک جهانی نوک ۱۹۱۱، ۱۹، ۱۹۱۱، مؤسسه قلمو بیانت، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۹، صص ۳۳۳ و ۳۳۳
- ۳۶ روزنامه رعد، ش ۲۵، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، صص ۱ و ۱
- ۳۷ همان، ش ۵، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۳۸ عبدالله مستوفی، تصویر جالبی از دخالت مقامات سیاسی در محراب قضاوت، ارائه داده استند. رک. مستوفی، همان، صص ۵۰۵، ۵۰۰
- ۳۹ روزنامه ایران، ش ۱۰۱، سلخ رمضان ۱۳۳۵ ق، ص ۱
- ۴۰ همان، ش ۱۰۱، ۷ شوال ۱۳۳۵ ق، ص ۱
- ۴۱ همان، صص ۱ و ۱
- ۴۲ همان، ص ۱
- ۴۳ سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۷، ۳۸، ۶، ۲۴۰
- ۴۴ همان، سند شماره ۲۱، ۱۶، ۷، ۲۴۰
- ۴۵ همان، سند شماره ۲۹، ۱۶، ۷، ۲۴۰
- ۴۶ روزنامه ایران، ش ۱۰۴، ۱۲ شوال ۱۳۳۵ ق، ص ۱
- ۴۷ همان، ش ۱۰۸، ۱۷ شوال ۱۳۳۵ ق، ص ۱
- ۴۸ همان، ش ۳۳، ۳ ربيع الأول ۱۳۳۵ ق، ص ۱
- ۴۹ همان، ش ۳۵، ۳ ربيع الثاني ۱۳۳۵ ق، ص ۱
- ۵۰ روزنامه رعد، ش ۱، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۱ همان، ش ۱۷، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۲ همان، ش ۱۳، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۳ همان، ش ۵۸، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۴ همان، ش ۳۳، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۵ همان، ش ۳۹، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۶ همان، ش ۵۹، ۲ جمادی الأول ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۷ همان، ش ۳، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۸ همان، ش ۲۱، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۵۹ همان، ش ۱۱، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۶۰ همان، ش ۱۰، ۹ صفر ۱۳۳۶ ق، ص ۱
- ۶۱ سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۶۱، ۱۶، ۸، ۲۴۰



تاریخ ۱۹ بهمن ۱۲۹۹

بهمن بهرام پادسی
معه راه شوسه اتزلی طهران ولروین همدان

191

БАХМАНЪ ВАХРАМЪ ПАРСИ
почтооодержатель
Экзали-Тегеранской и
Казвинъ-Хамеданской Дорогъ

№ ۱۲۲۹

IRAN NATIONAL ARCHIVES

این بسته بهمن بهرام تعداد چهار برید و در تاریخ گذشت مهر کرده
و بدست شمس نامه میناید و در تاریخ ۱۹ بهمن در دست خود
گرایید و در تاریخ ۲۹ بهمن در دست خود
طرف مهر برید علیه باجو بدست خود برید
شرائط فرا تقویت و صلح دیدن بر حسب کرات جداگانه
سفته خواهد کردید
اعتبار این در قه الحاقه در دست است امیر

ХРАЩЕИ
для телеграмм





تاریخ: ۱۳۵۵
شماره: ۵۸۶۱۸۲

جمهوری اسلامی ایران
تهران
تاسیس: ۱۳۵۵
شماره: ۱۳۵۵

تقریر حضرت امام علی (ع)

سازمان اسنادی ایران
IRAN NATIONAL ARCHIVES

در خصوص تقدیر از خدمات ارزنده و خردمندانه حضرت امام علی (ع) در راه مبارزه با استبداد و کفر و در راه ترویج عدل و انصاف و در راه تحقق اهداف عالیه اسلام و در راه خدمت به امت و در راه سعادت و رفاه و پیشرفت و آبادی و در راه برپایی حکومت اسلامی و در راه تحقق اهداف عالیه اسلام و در راه خدمت به امت و در راه سعادت و رفاه و پیشرفت و آبادی و در راه برپایی حکومت اسلامی



۱- در خصوص تقدیر از خدمات ارزنده و خردمندانه حضرت امام علی (ع) در راه مبارزه با استبداد و کفر و در راه ترویج عدل و انصاف و در راه تحقق اهداف عالیه اسلام و در راه خدمت به امت و در راه سعادت و رفاه و پیشرفت و آبادی و در راه برپایی حکومت اسلامی

امام علی (ع)
فرمانده کل قوا
جمهوری اسلامی ایران



